

خوب و خوش شود بلکه عموماً توسط ^{کدهای} تقسیم و توزیع مجدد می‌شود. بیشتر مواد غذایی که توسط رئیس ده جمع آوری می‌شود ضمن جشن مراسم میان مردم توزیع می‌شود. جیب و سله‌گری توسط سستی‌های محاسبات وجود داشت (این جوامع به هیچ روی جوامعی با نقص نبودند) اما ارزش آنها، آب و رسوم جمعی و "طبیعت بشر" معناداری [نسبت به ما] داشتند. بقول کارل پولانی (Karl Polanyi - کتاب "دگرگونی بزرگ - ۱۹۴۴):

لا کث بزرگ پرده‌های مردم‌شناسی و تاریخی سالها را بر این است که اقتصاد جوامع پستانه‌ها اصولی تابع روابط جمعی آنها بوده است. نحوه رفتار پستانه‌ها طوری نبوده است که مانع فردی خود را بصورت تعصب اموال مادی حفظ کنند؛ شیوه عمل او چنان بود که مقام جمعی، خواسته‌های جمعی و مواهب جمعی خود را حفظ کند. #

در چنین جوامعی اقتصاد یکی از وظائف روابط جمعی به‌شمار می‌آید و مردم مجاز نبوده از دادوستد تجاری مبادله‌ها تنوع رفتار سازمانی به‌شمار می‌آید به‌شمار می‌آید. هنوز دوری از زمانه گذشته است که مردم بومی امریکای شمالی و جنوبی آنگامی دوشه‌کننده کالاهای معادلی از آنچه داشته که بعداً توسط انجمن دستخیز سرزمینشان توسط ارسن و مهاجرین اروپایی به آنان تحویل شد. بطوری که کرلیف کلب پس از مسافرت اوست به امریکا می‌نویسد: "نمی‌توانستیم در ایام که ملک و مال شخصی داشته باشند چرا که این‌طور بنظر می‌رسد که هر چه ^{بکنند} داشته باشند با دیگران تقسیم می‌کنند ... [بوسیان] افرادی بی‌آلوسی‌اند و در مورد هر آنچه دارند چنان آزاد منش‌اند که اگر ندیده باشیم برایشان باور نکردنی خواهد بود ... اگر چیزی داشته باشند و از آنها تقاضای گرفتاری را بکنی هرگز نمی‌گویند. به‌عکس از شما دعوت می‌کنند که در استفاده از آن با او شرکت کنی و در این کار چنان مشوق و معزای نشان می‌دهند که گویا کلب آنها با تو است"

به قول ^{وليام} براندون (W. Brandon) مورخ جسیه بوسان امریکا : " بسیاری از ساوان درون امریکا ،

آنقدر که دنیای دومی بوسان امریکا را با چشم خود دیده اند ، سالها سال پیش اندر سن از وجود چنین جاسای کنی
گفته اند و در میان این پژوهشگران افراد بسیار ^{مستوفی} مثل دو تر (Du Terre) را می بینیم که در سال
۱۶۵۰ در باره بوسان منطقه کارائیب می نویسد : " به باورم برابرند ، هیچ کس ^{بسیار} از دیگری جاسای بزرگی یا بندهای نمی کند

.... هیچ کس از دیگری شوقمند تر یا فقیر تر نیست . دهی جز استهلاک خود را به آنچه کمبود می کنند که بومی می کنند
ولایتم باشد در هر چیز دیگر را که چنانچه باشد با تحقیر نگاه می کنند و شایسته دشمنی می دانند . " مونتانی

پژوهشگر دیگر ، سه نو بوسانی را که در ادوار قرن ۱۶ در فرانسه بوده اند دیده است . آنها ^{مردم} آداب ~~کلیه~~ بوسان

اقوام بومی را برایش توضیح داده اند که مردم چگونه بر پایه اینک ^{دلفین} منجلی ویا عربیت به عهد دشنه به گروه مار
مختلف تقسیم می شده - مانند گروه مار آلبانیه و زمستان قبایل امریکای شمالی . این سه نو از وجود گروه مار مختلف

دیده بودیم در جامد فرانسه است در تعجب بوده : " آنها دریافته بودند که در میان ما (اروپاییان) کانی سینه

مال مال از انواع کالاها و اشیا دیدار می کنند که از گرسنگی در حال مرگ اند و به میل ^{بسیار} احتیاج شدید و فرودم در منازل گران

می کنند و از این سینه در تعجب بودند که این اقوام چرا چنین چیزی را بخواهند می کنند و گوی گروه اول را نمی فایده

دیا خانه ایشان را به آتش می کشند " ① .

اروپاییان مستقر نشینی در سیزده ایالت اولیه - که بعداً به ایالات متحده تبدیل شد - در بزرگی خود از مردم

سنت به بوسان " وحشی " تمایز نداشته . و یک طایفه دیگر گلاری به قبیله ایروکواز (Iroquois)

بسیارند . در این قبیله دموکری وجود داشت آنان از نوع آداب سیاسی طبقه بصورت مشارکت مردم در

صمیم گویی؟ و بر همین سبب نالایی . زنان به همراه مردان در این رأی گیری شرکت میکردند و مسئولیت امر در دوش
 در نهایت با رضقت جهانی داشته . در حالیکه همان موقع مستقره نشانی سفید پوست "میتون" از خدمتگذاران
 سفید پوست و بردگان از قضاوت تبار استفاده میکردند و حقوق زنان نیز نسبت محدود بود . سه قرن دینیم از ورود
 حاجی اروپایی گذشت تا تازه بردگان "آزاد" شده و چهار قرن می باشد سپری می شد تا به زنان حق رأی داده شود !
 قهقهه به طور مختصر به جوامعی اشاره کردم که در آن اقتصاد تابع روابط اجتماعی بود . با کمال سرمایه داری و مسلط شدن
 مالکیت خصوصی ، پول در تجارت با حرف سودگویی این وضع بطرز شگرف تغییر کرد و روابط اجتماعی صرفاً به تابعی از منافع
 مسلط در اقتصاد سرمایه داری تبدیل شد . اصطلاحات آینده را پیش بینی کرده بود و چون برخی وجوه آنچه بعداً به سرمایه داری

تبدیل شد در عصر کمی نیز وجود داشت ، در کتاب "سیاست" می نویسد :

لازم
 بیشتر فمندان است

" همان طور که اشاره کردم هر نوع کسب ثروت وجود دارد ، یکی کسبی از میراث خانواده است در حالیکه دیگری
 که نتیجه دادوستد است بهر آن محکوم شده است چرا که غیر طبیعی است زیرا که سئوه سود بردن یکی از دیگران است .
 منورتری نوع از این کسب ثروت است که از نژاد نژاد نژاد است چون در آیدش از خود پول است و نه در طبیعت آن .
 حرف پول تجارت از جمله [لاله] بوده است و نه از این آن از طریق کسب برج . در این اصطلاح برج که
 معنای زایش پول از پول است از آن رو به کار برده می شود که مولودش سینه والدین آن است "

اصطلاح گرچه از برده داری حمایت میکرد چون ظاهراً آنرا طبیعی می دید ، اما سود بردن از طریق فروش یا
 پول فرضی دادن را غیر طبیعی می دید . امروزه اوضاع به عکس شده است . اکثر مردم اکنون برده داری را غیر طبیعی
 میدانند در حالیکه فروش با چرت سود بردن کلاً فرضی دادن با حرف برج فرضی را از طبیعی ترین فعالیت های انسانی به شمار می آورند .

کوتاه از تاریخ بشر، طبیعت تعاونی، نوع پرستانه دشمنی انسانی که از درون آن بر او است ^{تجربه} ~~تجربه~~ شده در جامعه
 بخاطر ادامه حیات و رشد در جامعه ای که بر پایه ^{سرمایه} ~~سرمایه~~ بنا شده قرار دارد به رقابت تمامی دین زدیده است. بدینسان
 پایه پای رشته سرمایه داری نوعی فرسنگ رسته کرده است که در آزمندی، دزدگرا، (هر کس بفرخوشی)، استغناء
 انسان از انسان در رقابت حمله می نمود. رقابت هم در میان بخت نامرغبت هم شرکت صورت می گیرد، هم
 از این بستر میان شرکتها و کارخانه مختلف در هم میان کارگران برای گیر آوردن کار در نتیجه این فرسنگ تا بمان
 وجود افراد نفوذی کند. جنبه دیگر فرسنگ سرمایه داری عبارت از مصرف گران است - انگیزه شدید به علاوه

هم چه بیشتر کارخانه که رابطه مستقیم با نیاز یا خوشی انسان ندارد. جوزف شوپتهر چندین سال پیش
 را این طور توضیح داده است: " ... اگر قیمت بزرگ تغییرات که در کارخانه داده می شود توسط تولیدکنندگان به

مصرف کنندگان محقق شده است که اغلب در برابر آن (تغییر) مقاومت کرده اند و این است با اشتراک در روشهای
 در تبعیضات ظریف ~~کلی~~ ^{به انان آموزش} داده شود " (چهارم اقتصاد - مجلد دوم - ۱۹۴۶ - صفحه ۷۳)

اگر طبیعت انان در روابط و ارزشش امر او در گذشته تغییر کرده اند، ناگفته نیست که بازم بتوانند تغییر کنند.
 در واقع این برداشت که طبیعت انان در جهان ثابت و منحصر به نیست صرفاً وسیله دیگری در دست افراد ان نظام
 موجود است که کوشش دارند به ما بقبولانند این نظام هم قابل تغییر نیست. جان دیوید در مقاله ای زیر
 عنوان "طبیعت انان" که برابر دائره المعارف علوم اجتماعی نوشته شده می نویسد:

در بحث و جدول های کوزه میان آنرا که مدعی ثبات بنیانی طبیعت سرمایه داری است که باور ^{به قابلیت}
 تغییر عمیق آن دارند، درسی بر محور آینه حب و آینه سیستم ^{اقتصاد} ~~اقتصاد~~ ^{رقابتی} با انگیزه سود داری می گردد
 به حق و بدون تعصب می توان گفت که هم علم مردم شناسی هم تاریخ به نفع آنرا در اقتصاد
 می کند که خواهان تغییر این نهاد (حب و سیستم رقابتی با انگیزه سود داری) هستند. می توان

اروپاییان

تجارت کهنه با دیگر کشورهای جهان را محدود می کرد و وجود قنصلها بود چون بازرگانان تا اواخر قرن شانزدهم در پی
 محدود به راه زمینی بود. دستاورد به توپخانه سنگین، ابزار دریاوردی و کشتی های بزرگ قنصلها که می توانست
 کارزایدی بسیار در تپ حمل کند توسط کشورهای اروپایی، کاوش قنصلها را برابر آنها می ساخت. بعول
 سی پول: " اروپاییان [تکنولوژی نظامی، توپخانه دریایی و کشتی های قنصلها بیای خود را] سرعاً پیش
 از آنکه غیر اروپاییان بتوانند به آنها دست یابند پیشرفت دادند. بهین ترتیب عدم تعادل بطور فزاینده ای

(سیان اروپا و دیگر بخشها جهان) افزایش یافت

اینکه اولیه سفرهای کشتی و تسخیر سرزمین های خارجی توسط اروپاییان معمولاً تجارت سوداگرانه ای محصولات ارزش
 مانند ادویه و مواد معدنی بهادار بود. حتی دهه های پس از آنکه که کشورهای اروپایی بر قنصلها تسلط شده و به بسیاری
 کشورهای دست یافته و دار شده. آنان شروع به استعمار با کشتی های کوهلی کردند که بعضی از آنها می توانست
 سرعاً کشتی های با جرم که با آلوده کردن سرزمین های تسخیر شده با میکروب های آسای - اروپایی که مردم آنها
 در برابرش هیچ مقاومتی نداشته، بوسیله آنها را وسیعاً نابود کردند. انجم اروپاییان به سرزمین های دیگر گریه از
 اواخر قرن ۱۵ آغاز شد اما بهین سده بیست و یکم سال ۱۵۰۰ بعنوان آغاز دوران مگانیکسیم
 (سوداگری) بکار می رود. سرمایه داری تجاری بازار جهانی ~~توسعه~~ ^{تمرکز عظیم ثروت عمدتاً} بر پایه تجارت عمومی و طله و نتره ای چپاول
 شده از قاره آمریکا و آغاز دوران استعمار را بوجود آورد که کشتی های عظیمی از جهان ماوراء دریا را
 در بر میگرفت و بر آنها اثر می گذاشت. مردم بومی این مناطق را با یا کشتار یا به بردگی کشیدن و با
 بسیاری کار و امیر نابود کردند و یا منزوی ساخته و بگوشه ای راندند. رابطه اروپاییان با این قاره ها بر پایه
 تجارت بوده بود که سود آن عمدتاً نصیب بریتانیا می شد.

سرمایه داری تجاری باعث آغاز بازارهای تازه در به بنای سرمایه گد کرد که اهمیت موجب انقلاب صنعتی در اوسط قرن ۱۸ گردید . برین ترتیب حدود در قرن وینم پیش جابجایی از نوع جدید در اروپا به وجود آمد - ^{جالبه}

سرمایه داری صنعتی - که از این پس تقریباً به حصی نقاط جهان گسترش یافته است . آنچه در تار وجود سرمایه داری درین صنعت ^{مجبور} است نیاز به گسترش فوذ خود و گسترش سرزمین کار دارد است - دشواری امر به رسم هم پیش است .

در دوران ^{تجاری} مرفهت نیز در این بر اهمیت وجود داشته اند که انگیزه گسترش را بوجود آورده اند و در هر دوران یکی از این نیروها محله داشته است اما عموماً این نیروها از هم جدا نبوده و جدا نمانی از شیوه عملکرد سرمایه داری است .

کنترل منابع طبیعی کشور را در (در رقابت با سرمایه داران دیگر کشورها) برای تأمین منابع مواد اساسی و لازم بر امر تولید - از جنبه دو کیفیت گرفته تا قیمت و من و غیره - ضروری است . جنگ امریکایی علیه عراق در کوشش در بحال فوذ بر سیاحت و اقتصاد آن کشور و طی منطقه خاور میانه بدون توجه به اثرات گسترش نفت خاور میانه قابل درک نخواهد بود . ^{این است} ^{در حال حاضر} ^{بیش از} ^{نیمی} ^{از} ^{نفت} ^{در} ^{۱۰۰} ^{درصد} ^{در} ^{۱۷} ^{مارچ} ^{۱۹۵۵} ^{درصد} ^{از} ^{منابع} ^{انرژی} ^{جهان} ^{را} ^{دارد} -

دیگر مورد نیاز خود را وارد می کند و بر تعداد بسیار زیادتری از این مواد متکی به کشورهای دیگر است .

کوشش دائم برای سرمایه گذاری سودهای بیشتر در رقابت با شرکت های دیگر برای تصرف سهم بزرگتری از بازار موجب گردید که سرمایه داران گاه گاه سرمایه های تولید کنند و بازار داخلی خود را گسترش دهند . وقتی بازار داخلی اشباع شد و یا نزدیک به اشباع شدن بود ، سرمایه داران بر امر دیگری از رکود اقتصادی ناشی از آن به دنبال بازارهای خارجی و فرصت های سودآور در آن بازارهای گردیدند . پیشی گرفتن دائم سرمایه گذاری و تولید نسبت به تقاضای مؤثر که علت اصلی گرسنگی اقتصاد سرمایه داری به رکود است ، توسط ماکس به عنوان ویژگی این نظام تشخیص داده شده است . ادوی تولید :


« اگر کارانه یعنی این نباشد به علت نبودن برای سرمایه گذاری ، به دلیل نداشتن توان سرمایه
 در حد بین از اندازه وام با مشکل روبرو شود ، وجود این سرمایه امر فرادان و وام پذیرش ندهند محدودیت
 در تولید سرمایه داری است در قوانین گسترش سرمایه یعنی در تحقق سرمایه به مشابه سرمایه محدودیت وجود دارد»
 (کامپایل جلد سوم - صفحه ۵۰۷)

سرمایه گذاری در خارج فرصت استفاده از کار ارزان و محدودیت کمتر بر سرمایه حفظ محیط زیست و در نتیجه تولید
 با سود آوری بیشتر برابر بازار داخلی و خارج را بوجود می آورد . سرمایه گذاری امر خارجی معتمد به شرکت مالک این فرصت
 رایسید به که با تخصیص مناسب درآمدها و خارج خود در مشاغل در کشور ^{سرمایه} همان میزان پرداخت مالک خود را به حد اول رسانند

در هر سرمایه داری جهانی که از قرن بیستم آغاز شد ، بارزده میان بحار است بزرگ در جهت دستاورد به سهم
 بیشتر از بازار در داخل و خارج ، عالی دیگری بود که به انگیزه گسترش شرکت کرد . شرکت ^{مالک} پیشتر چنین کاری
 نیاز به تأمین مالی از بیرون شرکت دارند . همین بزرگی از سرمایه امر با زاد تولید شده صرف فعالیت امر غیر مولد مانند
 تبعیضات و حقوق سهام اگر در ایران سطح بالاتر شرکت می شود . بطور مثال در آمد ^{مالک} در شرکت وال مارت ^{مالک}
 در آمد تمام عمر یک کارگر معول این شرکت است (پال کوردگان - نیویورک تایمز - ۱۳ مه ۲۰۰۵) . نابری

گروه شرکت قادر به تولید سرمایه از درون هستند اما برای گسترش تولید و بلعیدن شرکت کار دیگر اغلب نیاز
 به دسترسی به سرمایه از بیرون دارند . برای جلب نظر بانکها و سرمایه گزاران برای سهام این شرکت با بایر نشان دهند
 که توان گسترش دارند .

د باه لانه بجم بانکها و کورنار صفا سرمایه داری به کورنار محیطی ، به سرمایه گزاران خارجی سرمایه داری آن
 کورنار و متحدینشان در هیئت حاکمه مع و انتقال سودهای بی کورنار " مادر " کند می کند . بانکها و کورنار مرکزی هم چنین
 از دادن وام به نهادها و عمومی و خصوصی کورنار محیطی سود می برند و به افزایش دامنه های کورنار ؟ دو کورنار و استانی

به کوریا مرکزی می کنند . بهره ای دام (اوکتی از اصل دام) که معادل دام اولیه است سرقتاً به کوریا
 مرکز بر گشته و از این پس کوریا را موجود  پر چش بهره در دوازدهت می کنند .
 شیوه امر که مرکز سرمایه داری نوظهور برار تعین سلطه خود بر صنایع خارجی دبا بازار ایران به کار گرفته کنترل
 استقاری بود . گسترش قدرتش بر پیشرفته صنعتی و نظامی مغز به سلطه عربان بر سر جهان گردید . به سال ۱۹۱۴ که
 به رسم مستقرت کوریا شروع صنعتی حدود ۱۶ درصد از کره زهی را در بر میگرفت (دامودزه بعضی ها از
 "جانی سدن" طوری صحبت می کنند که گویند پرده ی جدیدی است و نه سلطه جدید بهجوم امپریالیستی !) . در جنگ
 جهان اول بهیم درجه اول بر سر تقسیم مجدد جهان بین قدرتمند بزرگ بود . مبارزات سخت و جنگ مارمدم کوریا را مستقر
 بعد از جنگ هم جهان قدرت مار استوارگر را دادار بدست برداشتن از استعمار مستقیم کرد . آنگاه از "استوارزادان"
 کوریا شروع کرد مرکز سرمایه داری به سلطه استقاری خود بر بخشهای وسیع و عقب مانده جهان ادا دادند . درجه مستقرت
 دوران استعمار و دورانی که مستقرت استقلال سیاسی است آوردند عبارت از دایم استقاری کوریا رفیق به کوریا
 مرکز دنا بعیت آنها از نیاندا و خواستار سرمایه مار کوریا شروع بود . ^{گرفته} ~~کلی~~ سله ی استقاری دایم امپریالیستی ،
 اقتصاد کوریا را خیلی را طوری به اعزاز کشید که از رشد خود جوشی و مستحق آنها جلوگیری کرد . عامل این دایم
 کوریا رفیق - بیرون کشیدن ثروت برار به به اینست سرمایه در کوریا قدرتمند مرکزی - تا به امروز هم ادره دارد .
 به سال استوارزادان و سالی جدیدی برار سلطه بر کوریا رفیق و اداری دایم آنها لازم بود . صندوق بین المللی
 پول و بانک جهان اکنون همان دلیلهای بحال زوری را انجام میدهد که زمانی توسط نبرد مار نظامی استعمار
 انجام می شد . البته امروز از نبرد مار نظامی برای تحلی اراده ی امپریالیستی استقاره می شود .

اهمیت رخنه سرمایه به سرمایه جهان برای موفقت کل سیستم سرمایه داری توسط چون را بنفون به سادگی

بیان شده است :

« اکثر کسی است بخاطر آنکه که گسترش سرمایه داری به نفعی تازه جهان سرچشمه شوفاخ عظیم مادی دوستانه سال

ایم بوده است « (۳۵)

اما این نوع گسترش که ذاتاً سرمایه داری است موجب جنگ قویاً دینی و تابع سخن اصفا دکورار محیطی به فرانسوی

بمفادیت گوار مرکزی میگردد . این وضع باعث می شود که بخش بزرگی از مردم جهان در شرایط بنیست سختی زندگی کنند .

پانویس ۱

1- William Brandon : The Last Americans : The Indians in American culture (New York : Mc Graw-Hill 1974) 4, 6, 292

2- C.M. Cippola, Guns and Sails in Early phase of ~~the~~ European Expansion 1400 - 1700 (Collins 1965) .

3- Joan Robinson, Introduction to Rosa Luxemburg ; The accumulation of Capital (New York : Monthly Review Press 1951) 28.

ب - سرمایه داری و صنعت

کالا ، خدمات ، نظریه ارزش و پیشرفت مارکس و لنینی که سرمایه داری در شرایط سیاسی متنوعش وجود آورده است از تمام آنچه در طول تاریخ ما قبل آن وجود آمد بیشتر بوده است . طی نزدیک به هر قرن دین سرمایه داری صنعتی - تجاری موارد استثنای مهم رکود اقتصادی شدید ، بحران و جنگ - کشورار صلح سرمایه داری تقریباً دائم در حال توسعه بوده اند . اما دست آورد این پیشرفت و توسعه عظیم قدرت تولیدی از جهت شرایط زینتی در دریاها مردم که زمین چه بوده است ؟ از یک سو حدود ۲۰ درصد از جیبت که زمین را داریم که بیشتر قایق کوهی از آن است زندگی می کنند و فرصت مارکس زیادی برای دستکاری به آموزش ، مسکن و غیره انواع کالاهای که بخواهد دارد . اما در میان این اقلیت مردم نیز توزیع ثروت بسیار نابرابر است بطوریکه ثروتمندترین ^{بالا کلاس} قشر بخش عظیمی از دارائات را در صید است . ثروت ۶۹۱ نفر ثروتمندترین افراد جهان ۲۶۲ تریلیون دلار است که معادل مجموع تولید ناخالص داخلی ۱۴۶ کشور ^{بیش از} یعنی مجموعه کشورهای اروپا و امریکای لاتین است ! ۷۷ میلیون نفر ثروتمندترین مردم جهان (حدود ۱٪ درصد) با ثروت بیش از یک میلیون دلار ، ۲۸۱۸ تریلیون دلار ثروت یعنی ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی تمام کشورهای جهان را زیر کنترل خود دارند . این ثروت بیش از مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان ^{داخلی} منتهای ایالات متحده امریکاست (در واقع ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی امریکای هم می شود) .

بعلم تولید این ثروت عظیم و پهن است آن در دست عده ای بسیار کوچک ، شرح اینکه بخش عظیمی از ثروت در چه شرایطی زندگی می کنند یعنی شمار دوزخیان روی زمین و وضع زندگی شان چیست هم گمان دهنده و هم هولناک است . از حدود ۶۳ میلیارد نفر مردم روی زمین :

- نزدیک به نیمی (سه میلیارد نفر) دچار سوء تغذیه و دائماً دچار کمبود کاری ، پرستش ، و بیماری
- دالاح مزدوری هستند . (۴) شمار بیشتری نیز دچار " عدم امنیت غذایی " هستند یعنی نمی دانند چه

غذای بعدی آنها از کجا خواهد آمد. طبق تخمین سازمان ملل متحد " فقط " ۸۳ میلیون تن (از جمله ۱۰ میلیون نفر در کشورهای سرمایه داری پیشرفته) دچار کم‌خوردگی اند تا این تخمین سازمان ملل بسیار باطنی تر از آمار دیگر پژوهشگران است .

- نزدیک به نیمی از بشریت با روزی کمتر از دو دلار قدرت خرید در امریکا زندگی می‌کنند .
- یک میلیارد نفر در صلبی آبادگاه ^(slum) زندگی می‌کنند .
- یک میلیارد تن به آب سالم دسترسی ندارند .
- دو میلیارد تن برق ندارند .
- دو میلیارد تن به نان از وسایل بهداشتی محرومانند .

- یک میلیارد کودک یعنی نیمی از کودکان جهان به سن فوت ، جنگ و بیماری (از جمله ایدز) از محرومیت شدید رنج می‌برند .

- حتی در کشورهای مرکزی و توسعه سرمایه داری بخش بزرگی از مردم زندگی ناامنی را سپری می‌کنند . شش در ده میلیارد تن خانواده از نظر تقاضای امنیت ندارند ، چهار میلیارد خانواده (شامل ۹ میلیارد نفر)

دائم از یک یا دو وعده غذا در روز می‌گذرند تا بقیه خانواده غذا داشته باشند ⑤

جنبه دیگر شرایط زیست بشری در قرن بیستم سرمایه داری صنعتی ، وجود جنگ گویا بطوری دقیق به بازار جهان صد میلیون تن بیان بوده است . اشتغالگری ، بزدلی ، قوم‌گشایی ، جنگ و بهره‌گشایی بخش جدائی ناپذیری از تاریخ سرمایه داری بوده است . جنبه دیگری بیان کشورهای سرمایه داری برای سلطه بر بازارهای جهانی یا سلطه بر مستعمرات و یا به دلیل خردخانه‌های منجمدی و قوی بیان مردم محقق بوده است که جنبه اشتغال استعماری در حالت امپریالیستی در آن نقش داشته است . نزدیکی که با

سرمایه داری یعنی بنای سرمایه ، کشور سرمایه داری را بر آن سیدار کلاه بازار خارجی خند کنده رسم خود از آن بازار را خزانسی دهنه . اما چه اگر در انگیزه مارقتصادی کشور را برپایین اصلا برابر سرمایه گذاری و فزون کلاه در خارج ، از خط شش سیاهی و نظای آنها غیر ممکن است . تمام این مانع در مجموعی بسیار خطرناک و در هر چه پیچیده عملی کند . جنگ طلبی در دوران بعد از جنگ سرد ادره یافته است . ایالات متحده نسبت در صورت ن دادن قدرت نظای خودش است و در نتیجه بر بخشی کار بازم بیشتر به بار خواهد آورد . اینکه حمله امریکا به عراق موجب کشته شدن بین از ۱۰۰ هزار نفر از مردم این کشور شده است نشان دهنده بعد از فاجعه ای است که بر سر آن ملت آورده اند .

ج - رابطه میان ثروت و فقر

میان دست آوردن سرمایه داری و دامن زدن عیسای پیوسته سطحی وجود دارد . فقر و غفلت بخش عظیمی از جمعیت جهان تصادف یا معمول فرعی و ناخواسته می نظام نیست که با دستکاری کارخانه در ریاض و اینها بتوان آن را از میان برداشت بنایست ثروت مارخانه ای - بجز این نباید مستقیم شود عملکرد سرمایه داری چه در سطح ملی چه بین المللی - بطور مثالان باعث بوجود آمدن گرینگ ، سود نقدیه ، ناسلامی ، کمبود آب ، نبود بهداشت و غفلت عمومی برای کسبهای دینی از مردم جهان میگردد .

وضع بسیار مسکن اکثر مردم جهان بخشی بریل نظام اقتصادی است که اشتغال کامل بوجود نمی آورد . در عین سرمایه داری آنچه را بوجود می آورد که مارکس آتش ذخیره کاری خواند - بخش بزرگی از جمعیت جهان که در شرایطی نا امن در خطر آزارها می کفند ، گاه کارگری آورد گاه بیکار است . پنهانی که شکوفانه موقت اقتصادی وجود دارد به این کارگران بطور فضا و نامطمینان است . گاه نیز برابر کار با نظای از انسان استفاده می شود و گاه نیز هیچ کاری برایشان نیست . آتش

ذخیره کار در کشور شروع شده ، با اعموم فقیرترین قشر جامعه را تکیس می بیند که شرایط زندگی آن بسیار سخت و گاه بی خانمان هستند .
وجود این ارتش ذخیره دائم ، روی سطح دستمزدها کارگران تاثیر منفی دارد و باعث کاهش قیمت های داخلی می شود ⑤

در کشور با بحران بیرون سرمایه داری چندان وجود دارد که نتواند عظیمی از مردم را در شرایط فقرات برای نقد مبادد .
حالی اول بیرون کشیدن ثروت از کشور محلی در دهانه های است که سود کار برگشته به کشور " مادر " همین از میزان
سرمایه گذاری در آنجا می شود . علاوه بر آن از منابع طبیعی این کشور با بیف کوز کار شروع کرده مرکز بهره گیری می کنند .
بانکه نیز وام به این کشور محلی می کنند و با وابسته کردن با محبت محلی به این بانکها ثروت بازم بیشتر می از آنها
به بیرون میکشند می شود . مردم کشور محلی بطور فزاینده ای نفوذ ارتش ذخیره کار سرمایه دار خارجی در سرمایه داران داخلی
راکب می کنند . در بسیاری از مستقرات سابق نیروی کار را قصداً در از طریق مستلک کردن جهت جابجایی این کشور با وجود

می آورند . یکی از راه های کار و ادار کردن دهنه های این کشور با به پرورش مالیت بود و ^{برای} دسترس آسان را وابسته
به اقتصاد بزرگ کرده . وسیله دیگری که استعمارگران برای زیور کردن حقیقت جامع دهقانان بکار بردند بحالت از
تبدیل زمینهای سنتی به مالکیت شخصی زمین بود . بدین ترتیب جمعیت عظیمی از این دهقانان با از دست دادن
برگشته حتی نسق به زمین به شهرها رانده شدند و در شهرها نیز کار به اندازه کافی برای جذب آنها نیست و به این
سان بحران پنهان بزرگ بوجود می آید . ⑥ علاوه بر آن قدرت بوجود آمده توسط این ثروتها توان آن را
دارد که سیستم سیاسی حقوقی کشور محلی را به نفع تمام ادم انباشت هر چه بیشتر این سرمایه ها و بعضی تقسیم و توزیع
مجدد آن که می توانست در جوامع ^{آبشار} آبی تر صورت گیرد عمل کند .

ثروت کشور شروع شده در مرکز نظام سرمایه داری ، تا به امروز شدیداً وابسته به مکیدن منابع کشورهای
کشور محلی بوده است . سرمایه داران عمده و هم در سطح جهانی ، در کشور صنعتی شروع شده مستقرند اما انباشت

سرمایه آید بر پایه هر یکی از تمام جهان قرار دارد . عنوان کتاب معروف سیر این - "بناست در مقاصد جهانی" -
 بیانگر این پدیده است . کشور مرکزی جای آنکه به کشور مرکزی چهاره دهنه بازار اقتصادی خود را صرف پیشبرد
 منافع داخلی خود کند ، بخت بزرگی از این بازار را ببرد . در صرف و خرد سایر جهان می کنند و برای
 این کار هم از جهت اینکه کشور مربوط در عنصر انصورت از ارزش ام کما یا نا کما می گیرند . نتیجه این که کشور غیر
 قادر نیستند بازار بالقوه اقتصادی خود را در جهت بر آوردن نیازهای جهانی کشورشان به کار گیرند . در ضمن این بازار
 پایه جیب نیست بلکه کشور شریک سرمایه می شود و بخشی از این نیز صرف لایه های سطحی سرمایه داران دلبسته
 (بورژوازی کپرادور) می شود که منافسان با منافع سرمایه مار خارجی گره خورده است .

در سایر آغازین سرمایه داری صنعتی بناست سرمایه از کشور مرکزی به صورت چپاول عمران فزونی گزینها
 صورت می گرفت و بعد هم نتیجه ی تعرف محصولت گت درزی تولید شده با کار بردگی بود . منبع دیگر در آمد آنها
 عزیز و فروش بردگان بود که خود کسب ^{دکار} سود فراوان می توانست باشد . در مرحله بعد ، دادن وام سرمایه گذاری
 موجب بیرون کشیدن سود سلجق پول رایج ^{کلا} - در عین حال که عمارت منافع طبیعی چون نفت و بوکسیت ادرا
 پیدا کرد - در این خود موجب بحران ^{دام} وام ها برای بسیاری کشورها گردید . در ادوات دوران سرمایه داری صنعتی ،

"کشور ماراد" مرکزی تمام تلاش خود را به کار انداختند تا هرگونه تولید و کسب دکار در کشور مرکزی را که ممکن بود
 روزی با آنها رقابت کند از بین ببرند . در این راستا بود که انگلیس با صنعت ^{پارچه بافی} ~~کالی~~ هند را نابود کرد تا مردم
 هند را قادر کند با چیدار صنعت انگلیس را بزند . از سوی دیگر در همین دوران کشور مرکزی در صنایع د
 در کسب دکار خود در برابر رقابت کشور خارجی می گفت کرد . حال قدرت محکم این صنایع و کسب دکار مار
^{پیشرفت}
~~کالی~~ و نیاز آید به بخشی موثر تر در کشور مرکزی موجب گردیده است که سرمایه داران کشور مرکزی ،

یک درصد باقی مانده است و ۴ درصد باقی خانوارها را می‌کشد فقط صاحب ۳۳ درصد کل ثروت جامعه اند (جدول ۱)

جدول ۱ - توزیع ثروت خالص در خانوارها آمریکا (سال ۲۰۰۱)

درصد ثروت	درصد خانواده‌ها
۲۳,۴٪	۱٪
۵۹,۲٪	۵٪
۷۱,۵٪	۱۰٪
۸۶,۴٪	۲۰٪
۱۵,۵٪	۸۰٪ باقی
۲,۳٪	۴٪ باقی

منبع : ۸

کثرت در مناطق مختلف کشورها دینی کرده اگر قومی نیز داشته دارد . بطور مثال در سال ۲۰۰۲ متوسط ثروت خالص خانوارها در سینه پوت ۸۸۰۰۰ دلار بود که ۱۱ برابر خانوارهای آمریکایی و ۱۶ برابر بیشتر از خانوارهای

افریقایی تبار بود. ~~این کشورها در آفریقا زندگی می‌کنند و این کشورها در آفریقا زندگی می‌کنند~~ ۹

در حالی که فقط ۱۳ درصد از خانوارها در سینه پوت فاقد هرگونه ثروت خالص اند ، این وضع نزدیک به یک سوم از خانوارهای افریقایی تبار و نه تین تا را در بر می‌گیرد . درآمد متوسط خانواده‌های افریقایی تبار و نه تین در سال ۲۰۰۰ تقریباً نیمی از درآمد متوسط سینه پوتستان بوده و شمار مردان افریقایی تبار که جذب نیروی کار شده اند بسیار باقی تر از سینه پوتستان است - ۶۷ درصد در برابر ۷۶٪ . ۱۰

نیاز حیاتی به یادآوری تفاوت شگرف میان ثروت ملی کشورها سرمایه‌داری بسیار پیشرفته و کشورها پراکنده نیست در حالی که متوسط تولید ناخالص سرمایه کشورها پیشرفته تقریباً ۳۰۱ دلار است تخمین زده می‌شود که در آمریکا تولید ناخالص

دولت ایران را در سازمانها "بین المللی" حفظ صنایع ایرانی است در دست هم "تجارت آزاد" را مشاهده کنند - در حالی که
 با ^{ریاست} هر چه تا مگر هنوز از صنایع در راه صنایع "کود" چه از نظر داخلی و چه در داد و ستد با سایر کشورها
 جهان ^{حیات} می کنند - در مروج جدید گسترش جهانی نظام سرمایه داری که در آن سرمایه با به میزان زیادی آزادی وقت به دست
 آورده اند، کالاها که در روزی در کشور مرکزی تولید می شد بطور فزاینده ای در کشورها با سطح دیگر با این تولید
 می شوند. این سرمایه در خدمت هر پیش است: علاوه بر امکان عرضه کالاها با قیمت باقی تر از رقابت را بوجود می
 آورد که هنوز در کشورها مرکزی تولید می کنند، راه ورود این کالاها به بازار ^{داخلی} کشور مبدع و منطقه اطراف آن را
 - که محل حاکم قشری با قدرت جدید با هم بسته است - نیز بوجود می آورد. دارد کردن کالاها را از زمان از خارج با
 بهر کسی سئید از کار ارزانی کشورها محیطی، راه دیگر ^{تصنیعی} انباشت ثروت و باز تولید آن بر هر کشور
 مرکزی است.

نظام سرمایه داری از طریق ساز و کار مختلف - از چپادل عمران و سلطه استعماری در سایر اوضاع سرمایه داری
 گرفته تا روابط امپریالیستی در دوران بلوغ بعدی آن - به باز تولید ثروت در کشورها مرکزی و تمام عصبانیت بازرگانی کشورها
 محیطی ادامه دارد است. این نظام هم چنین به تولید و باز تولید صفات طبقاتی در کشورها مختلف - از جمله تولید است
 حاکم می نوک صفت در کشورها محیطی با صاحب کار با یکی در خارج و ایمان به قدرت نظامی امریکا - کل می کند.
 باز تولید دائم چنین صفات طبقاتی همراه با آدرس ذخیره کار ^{همیشه وجود دارد} به این معناست که در نظام
 سرمایه داری همیشه با همه این سئید وجود خواهد داشت. وجود سلسله مراتب و طبقات به این معناست که چنانچه
 در تمام سطح حاکم بود. اکثریت عظیم مردم از دهنش هرگز نه قدرت نوآوری ^{این} مردم - توزیع ثروت در ایالات
 سئید نشانی با رزی از این می برد است. ۸۰ درصد باقی جامعه امریکا تنها صاحب کمر از بخشی از ثروت

دسته کاراییب ۶۰۰۰ دلار ، در اختیار شما ۴۰۰۰ دلار در بخش جنوب افریقا ۲۰۰۰ دلار است . آنا این
 اعداد و ارقام بهترین مستق را پنهان نگه میدارد چرا که تولید ناخالص در آنتی ۶۰۰ دلار یا کمتر است . کشور بارزودنه با ۱۵ درصد جمعیت جهان ۸۰ درصد
 در شش کشور جنوب افریقا در آمد سهانه سالانه ۶۰۰ دلار یا کمتر است . کشور بارزودنه با ۶۰ درصد از جمعیت جهان تنها ۳ درصد
 تولید ناخالص ملی جهان را بکود جنفالی میدهند . از سوی دیگر فقیرترین کشورها با ۶۰ درصد از جمعیت جهان تنها ۳ درصد
 از ثروت جهان را دارند .

د - صنایع کردن محیط زیست

صنایع شدن محیط زیست در شمار زیادی از جوامع ماقبل سرمایه داری اتفاق افتاده است . آنا در نظام سرمایه داری حتی با وجود
 درک بهتری از اینکه فواید این بنا چه صنایع می تواند ببار آورد داریم ، این مسئله ایجاد تازه ای بکود گرفته است . انگیزه
 سود و مناسبت سرمایه به مراتب برف جلا فواید اقتصادی و کنترل که مانع اقتصادی برجیت سیاسی محقق می کند و نیز تکنولوژی های
 سقد و ~~تخلی~~ در جوامع سرمایه داری که به افراد اجازه میدهد محیط اطراف خود را سریعاً تغییر دهند - چه محیط اطراف دجه در دست
 چه خواسته دجه ناخواسته - به معنای آن است که دارندگان اثرات زیان بار بر محیط زیست اجتناب ناپذیر است . آلودگی
 آب ، هوا و خاک محصول طبیعی سیستم مار تولیدی است که برف آن فقط یک چیز د آن کم کب بود است .

طبق مستق تولید و صادرات سرمایه داری هیچ مکانیسم درونی در این نظام وجود ندارد که صنایع را تعین کند یا وادار
 در صد ~~بسیار~~ ^{بسیار} روش های تازه باشند که کمترین زیان را به محیط زیست میرساند . بلکه سالی سالی سیمان جدیدی که برای سفین کالادار
 صنعتی سفینه بظن میرساند ، بدون ارزیاب کاف از اینکه آیا این مواد سیمان جدیدی که برای سفین کالادار
 نه دائم در محیط زیست رخنه می شوند . جیوه ای که از نردگام مار با سوخت زغال سنگ در فضا رخنه می شود در چه جا و
 اقیانوس های را که صد ~~بسیار~~ ^{بسیار} از کلار فاند با فاصله دارند آلوده می کند . سود استاده دائم از آنتی بیوتیک با افزودن
 بعضی مواد به غذای حیوانات که در فشار بسیار تنگ و نا سالم مزایع صنعتی نگهداری می شوند موجب پدید آمدن میکرو باکتر

بیماری زانگ ^{گردیده} است که در برابر آن بی‌توانستیم مقاومت اند. کاربرد چنین تکنیک‌هایی برای پرورش حیوانات از نظر محیط زیست به هیچ روشی نیست اما از نظر سرمایه بسیار هم سود آور است. به علاوه توسعه جامع‌تری چون امریکا بر پایه اتومبیل، پیاپی دریا یا خاکی برای محیط زیست داشته است و موجب وجود آمدن مناطقی وسیع مسکونی در حومه شهر شده. "بزرگ شهرها" وجود آورده که ^{مردان} مسکن مسکونی را از میان برداشت. منابع ^{کودن} سوخت بار رفت و آمد به هم کار فقط بخشی از مشکل این نوع زندگی است چون که بعضی در شهر کار می‌کنند و برخی در حومه شهر. فرایند در مراکز بزرگ فرستگامی در بیرون شهر (Hall) که فقط با اتومبیل قابل دسترسی است در وقت درگشت کردن به حومه وصل بازی و ورزش نیز نیاز به راندن اتومبیل به خواص ^{دور} دارد.

یکی دیگر از پیامدهای بهره‌رکشی بی‌قصد از منابع طبیعی تغییر آب و هوا در اثر بارش فونی گرم‌تر فضای اطراف زمین است که گرچه کاهش قابل پیش‌بینی نیست اما پیامدهای گوناگون زیان باری دارد. از آنجا که کلاه‌های کماست، برفگاه، بار برف و اتومبیل‌ها در کوه‌ها مقدار بعضی سوخت فسیلی (گاز و نفت) می‌سوزانند، میزان آلودگی فضای اطراف زمین افزایش یافته است. این نگرانی وجود دارد که گرم شدن تدریجی فضای منتهی به درگشت‌ناگه‌ها نسبتاً سریع شود، از جمله آب شدن یخ‌های قطبی، تغییر در میزان بارش برف و درون رودخانه‌ها قطع حرکت آب گرم جهانی (که محقق استیم بخشی از آن است). حرکت آب گرم به شمال و قافوس اطلس به گرم‌تر شدن شمال اروپا و امریکا ^{کمی}

می‌کند. ③

بعد دیگر فضای که سرمایه داری بر محیط زیست دارد وجود رنگه‌ها که در تمدن از این سو. تنگ در غرب است که طبیعت آن خداوند کرده زمین را برابر بهره‌رکشی به مردم آن بجا کرده است. نشاء این تنگ در چین و در فصل آفرینش (Genesis) ^{1:28} است که در آن می‌خوانیم:

« خداوند به آنها (آدم و حوا) سنگ را داد و به آنها گفت پرشرباشید ، زاد و ولد کنید ، زمین را
[از فرزندان خود] پر کنید و آن ^{لا} زیر زمان خود در آورید : بر ما پیمان دریا ، پرندگان و در
موجود زنده ای که روی زمین حرکت می کند عیب کنید »

در این اورف شاپر رگدی زیر آگنی از دشمنی با طهاردن محیط زیست در پرستشها ریاضی (اوج نیست)
ایلات ستمه سیستم . بیان معتقدند که روز قیامت نزدیک است بنابراین از آن سخن گفته که چه بر سر منابع طبیعی
در سیستم های نفت از حیث روی کره زمین بیاید (۱۷)

محدودیت منابع طبیعی

نظمی که بنا بر سرشت این پایه گسترش یابد درشته کند سر انجام با این واقعیت رو برو خواهیم شد که منابع طبیعی کره
زمین محدود است . آب و هوا و خاک کره زمین تا زمانی می توانند بطور سالم و مفید به نفع موجودات زنده عمل کنند که
میزان آن لوگوی محیط زیست از قدرت جذب و خنثی سازی مواد آلوده کننده توسط آنها فراتر نرود . علاوه بر آن
منابع طبیعی چون سوخت (نفت و گاز) ، آب (در صنعت و زری) ، درختان برای چوب و کاغذ و انواع
مواد معدنی مثل سنگ آهن و بوکسیت و غیره در فرایند تولید مصرف می شوند . صنعت برخی منابع چون چغندر
مناطق نامشغولی محدود است . اما اگر استفاده از اینها طبق برنامه ، یعنی طوری که با تغییر در محیط با اندازه کافی احتیاط
پذیر باشد ~~مکمل~~ ، این منابع قابل بازسازی اند . استفاده از بقیه منابع - از نفت و گاز گرفته تا مواد
معدنی و منابع آب زیر زمینی در برخی مناطق بسیار با (ذخیره شده از دوره های قبل تاریخ) - پس از این محدود به منابع
~~مکمل~~ باقی مانده کونا خواهد بود .

سرمایه داران در فعالیت با مرحد می انجم فقط آسیده کوتاه مدت را مد نظر دارند - حد اکثر سه تا پنج سال

آبیده . آنان بر اصل سرمایه غیر قابل پیش بینی کب و کار (امری مختلف چرخه اقتصادی) رقابت با دیگر شرکتها ،
 قیمت مواد مورد نیاز و غیره) فشار بورس بازمانی که دنبال سود مکرر باد آورده و سریع مستقر ، باید چنین عمل کنند .
 بنابراین سرمایه داران بدون توجه به این که محدودیت امر طبیعی بر سر راه فعالیتشان وجود دارد - گویا که منابع
 طبیعی پایان ناپذیری برای بهره کشی وجود دارد - عمل کنند . وقتی که هر یک از سرمایه داران ^{با} بهره سود بردن و نهایت
 سرمایه ^{تعمیر گری آن} ~~لا واصل می کنند~~ می کنند ^{مجموعه} این تعمیر گری ^{مجموعه} عمل جامعه زمان می رسد . شام مثال کامله مستند وجود
 کالمن سدی - در نزدیک به نابودی بسیاری از انواع ماهی امر قناری است . منافع کوتاه مدت
 یک تک صید کالمن با پیگیری - که برخی من کارخانه عمل می کنند پس از صید ماهی آنرا عمل آورده و بیخ میزنند -
 دردی است که صید خود را به حد اکثر رسانند . گرچه بر طبع انسان محدودیت طبیعی وجود ندارد اما بسیاری از
 منابع از جهت باز تولید دریا محدود است

سود آب بر اثر کش و رزی فعلی است که از دریا باز وجود داشته است . فقط در ده سال اخیر است که دارد به
 مرز بحرین و طبیعی آن می رسد . ظرفیت بعضی آب ریزها در رودخانه آن گونه تا سه صد مگن مورد بهره برداری قرار می گیرد .
 بطور مثال در چین از رودخانه زرد آنقدر بهره گیری می شود که چغند سالها چیزی از آن به دریا نمی برود . مستند
 از تکمیل کار قدرتمند برای بدون کشیدن آب از منابع زیر زمینی بجای آن رسیده است که میزان بهره گیری از آب سطح آن
 از جایی آن توسط ریزش باران داشت به درون خاک است . تحقیقی که در هشتاد و نه میلادی در
 کشیدن آب از منابع عظیم زیر زمینی اوگالا (Ogala) - که از داکوتای جنوب تا بارکینگونز
 ادامه دارد - پس از آنکه آری است که جایگزین آن می شود و می تواند ^{کالا} عملی تواند ادامه یابد مگر آنکه جاهای
 یعنی تری ضرر شود تا آنکه ادامه این کار ناممکن شود ، مهم شدند که ^{مکونیت اند} ! این خود یکی
 از شواید است که فکر کردن در باره ^{چکان} ~~این~~ بر سر راه فعالیت اقتصادی محدودیت وجود دارد چقدر غیر سرمایه داران

(Uncapitalistic) است .

اینکه حقیقتاً طول خواب گشته تا منابع تجدید نامیز به پایان رسند ، نسبت به بزرگی این منابع و مدت استخراج از آنها دارد . اگر چه اتمام برخی منابع ممکن است صد سال طول بکشد (با این فرض که نسبت رشته استخراج در سطح کنونی باشد) رسیدن به میزان بارش برخی منابع بر اجرت چون نفت و برخی مواد معدنی آنقدر دور نیست . مثلاً تخمین زده می شود که استفاده از نفت ~~در جهان~~ ^{به میزان} منابع شناخته شده در عرض ۵۰ سال آینده ^{مقتضی خواب} رفت - نسبت ذخیره منابع به استخراج سالانه در ۲۰۰۳ میلادی است ، این نسبت در سال ۱۹۸۹ میلادی

۱۳ . استخراج نفت آلمانی - ماده اصلی برای تولید آهن و فولاد مصرفی - از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۴۰ ، ۱۶ درصد افزایش یافت . اگر استخراج این ماده از سال ۷۰ بعد سالانه ۷ درصد افزایش یابد ، منابع شناخته شده آلمانی تا حدود ۶۰ سال دیگر تمام خواهد شد . صرفاً اگر سرعاً افزایش یابد بعدی منابع شناخته شده آلمانی در شصت سال آینده به اتمام خواهد رسید .

با در نظر گرفتن محدودیت منابع طبیعی ، در نظام سرمایه داری که در آن بازار - یعنی قدرت خرید محدود در بازار - تعیین می کند که کالاها چگونه تخصیص یابند ، هیچ شیوه منطقی برای تعیین اولویت در رویارویی با محدودیت ~~وجود ندارد~~ ^{وجود ندارد} . هنگامی که در آینده ای نخبه‌ان دور استخراج منابع طبیعی چون نفت رو بطایع گذارد ، افزایش قیمت‌ها روی آورده که تا بهی اودلا نایه فشار سرمایه داری می‌آید بود ، یعنی با اصطلاح کارگران طبقه متوسط کولت‌مرکزی فشار فرسایشی خواهد گذاشت .

و - سرمایه داری با چهره پنهانی ؟ صدمات و صدمات

برای حل کردن اثرات ~~عکس~~ ^{عکس} بحران نظام سرمایه داری بر جامعه و محیط زیست می‌توان دست به اصول زد .

ایستادگی از این جهت از بعد اقدامات که مجرب بود وضع کارگران در کشور سرمایه داری مرکزی گردید مش
 که نه تنها سیاست کار روزانه و صنعت ، حتی تفکیک اتحادیه ، بیمه اجتماعی و صندوق بازنشستگی هم نمی ، از آنست
 در آمد و در واقع همین در محل کار صورت گرفت . نگران در مورد محیط زیست مجرب وضع قوانین شد که شرایط
 اینها را کمینت مواد آب در بیشتر کشورهای پیشرفته سرمایه داری را بهبود بخشید . اما همانطور که بخوبی شما اطلاع
 در کشور مرکز هستیم ، برای سرمایه این امکان وجود دارد که تحت آلودگی نامبرده را ، دست آوردی که
 نتیجه مبارزات سخت طبقه کارگر بوده اند از میان بردارد . در همین دوره امر اوج دزدی مبارزه طبقه ،
 میانی که شرایط آنرا در نفع سرمایه است ، کوشش خواهیم کرد که نه تنها دست آورد کارگران بالا از میان برداشته
 شود بلکه شرایطی وضعی برگردانند که سرمایه با کمترین نافع رود بود و دشمنی قدرت مافوق را دست .

در این جنب هم جابجایی ، سرمایه از ترس انقلاب که می توانست تمام سیستم را از میان برد ، و از آنجا که
 برای ترمیم کشور جنگ زده نیاز به همکاری کارگران داشت ، بر آن شد که در جنبش بزرگی از اروپا دولت رفاه
 برپا کند - عقیدت با حقوق و دستمزدها بالا . دولت همین حق کارگران را در جهت بهره ^{راست} راه داد .
 در ایالات متحده دولت رفاه با منوچلی روز دولت آغاز شد در سال ۱۹۴۰ برنامهدار جدیدی به این عنوان

برپا کرد ^{بازسازی} "تغذیه" ^{راست} آلابی ^{راست} دسترس ^{راست} بود که
 با تمام پیامدهای نیز این اقتصاد را به پیش می راند ، مقادیر زیادی پول در دست داشت که نه تنها می توانست بودجه برنامهدار
 دولت را تأمین کند بلکه دستمزدها کارگران را نیز افزایش دهد در همین حال که سود فراوانی هم نصیب سرمایه داری می کرد .
 میانی که اقتصاد سرمایه رسته می کند میزان مالیات (بدون حذف کوشش زیاد) بالا میرود و در نتیجه میزان
 برابر برنامهدار جدید بودجه تأمین کرد . دل نگرانی برای ثابت اجتماعی در دهی ۱۹۵۰ دکوشن در حلقه

پشتیبانی مردم در جنگ سرد بویژه در ایالات متحده دلیل دیگر افزایش برنامه‌های اجتماعی بود. آنچه در عمل اتفاق افتاد به روحیه مبارزانه اتحادیه‌ها و دیگر اشغال مبارزه طبقاتی مانند جنبش سیاهان برای کسب حقوق مدنی و اقتصاد نیز دستیاب داشت. اما بارش فزاینده بحرانیت، رقابت میان کشورها ستهیه ترس و نزدی جدیدی برای تحریک جنبش‌ها به اقتصاد ورسته سریع‌تری آن طور که پس از جنگ هم جهانی تا اواخر دهه‌های ۱۹۶۰ صورت گرفته بود وجود داشت.

دقیقاً که در دهه‌های ۱۹۷۰ رکود اقتصادی ^{آغاز شد} سرمایه‌های به چه طریقی و کسب نشان داد. برای بالا آمدن شیئی سود بهتر آرزوی سرمایه‌گذاری تغییر کرد - از سرمایه‌گذاری در تولید کالا به مادی به سرمایه‌گذاری در کسب خدمات و سفته‌بازی در بازارها (با ایجاد در نزدی "فراورده‌ها" مانع صفت). جامع سرمایه‌داری با آغاز دوران رکود اقتصادی مانند تمام تاریخ خود در دوران مجاری، بار سنگین رکود، میلیاردها دلار را به دوش طبقه کارگر (در مردم مستقرات) انداخته. بالادستی فشرده از همان آغاز دهه‌های ۱۹۸۰ عقب‌طیقات پیگیری با هدف کاهش مالیات بحرانیت و افراد ثروتمند به راه انداخته. بطور عجزمان - و بارش به مضامین در سالها اخیر - فشار عقب‌انقباض سرمایه‌داران بیکاری برابر از میان بردن بسیاری از حقوق کارگران به راه انداخته (از جمله حقوق نینداز خیره آرسن)؛ حمله به برنامه‌های رفاهی، دشوار کردن هر چه بیشتر بوسه به اتحادیه‌های کارگری در همان تر کردن اخراج کارگران؛ کم کردن حقوق باز نسبی، خصوصی کردن خدمات اولیه (از جمله مدارس) و کوشش در خصوصی کردن همه اجتماعی کارگرانی. نینداز حفظ کار در ایالات متحده، هیچگاه برنامه‌های اجتماعی دولت را نیز برنده بودند. به نظر می‌آید از میان بردن هر آنچه بود که ^{با} ^{فرا} ^{تکلیفی} ^{دلیل} ^{کاهش} دولت "جامعه‌بزرگ" دهه‌های ۱۹۶۰ آغاز شده بود در برگرداندن وضعیت به دورانی بود که دولت نترسده در صحت از حقوق کارگران نداشت. در اروپا نیز تمدنی مشابهی از سوی سرمایه برابر کاهش پشتیبانی از حقوق کارگران وجود دارد به همین بهانه که چنین کاری برابر رقابت در بازار جهانی ضرورت دارد.

آزمندی ~~گفته~~ ، فرد را در ورق است یعنی دیگری که توسط سرمایه داری رسته داده می شود ، توجه کننده از میان بودن بر نامه های است که به کارگران ^{و فقرا} می کند . سایرین سرمایه داری می است فقط در دوره امر کوتاهی "چهره پنهان" داشته باشد اما روی صدهای که دست آوردن را چیزی دارند همچنان نمی توان حساب کرد که جامعه ای بر پای استانی وجود آورد . چنانگونه که اکنون شاهدیم با قدرت گیری هر چه بیشتر سرمایه در برابر کار وکت صد اصلاحات اتفاق افتاده و جهت طبقات یک طرفه از بالا سخن عادی بگذراند است . نکته هم آنکه پلیدی ماری بعدی ، فقر و غفلت ، نابودی محیط زیست و مصرف منابع طبیعی با سرعتی بیش از امکان جایگزینی آن - و نیز رخنه جرقه های سیاسی و نظامی کشور را بر پستی مرکزی در کشور ماری میگی - همه نامی از ماهیت و سرشت سرمایه داری است .

این پلیدی ها بخشی از تره ناسر نظام سرمایه داری است و از این ^و جامعه ای نوی لازم است . دوری صحنی از سرمایه داری و اتفاق یک نتخاب داخواه نیست ؛ محدودیت محیط زیست و گسترش فقر و غفلت تغییر جامعه را به ما محسوس خواهد کرد . آینده ، امکانات ^{معدودی} را پیش روی ما میگذارد - یا رفیق لبوی فاسیسم (بربریت) یا برپای جامعه ای جمعی و تعاونی که بتواند سازد ناسر بنیادی همه ی بشریت را فراهم کند .

ادامه دارد


- 4- Gary Gardner & Brian Halwell, Worldwatch Paper #150: Underfed and overfed (Worldwatch Institute, 2000) www.worldwatch.org/Pubs/Paper/150.html.
- 5- Mark Nord, Margaret Andrews & Steven Carlson; Household Food Insecurity in the United States, 2002, U.S. Department of Agriculture, <http://ers.usda.gov/Publications/Fanrr35/>.
- 6- Fred Magdoff & Harry Magdoff, "Disposable workers", Monthly Review, April 2004.
- 7- Samir Amin, "World Poverty, Pauperization & Capital accumulation, Monthly Review, October 2003, and Fred Magdoff, "A Precarious existence" Monthly Review, February 2004.
- 8- "Changes in Household Wealth in the 1980s and 1990s in the U.S." in Edward N. Wolff, ed, International Perspectives on Household Wealth (Elgar Publishing Ltd, Forth coming)
- 9- "Wealth Gap Among Races Widens in Recession" - Associated Press, Oct. 18, 2004.
- 10- 2005 Economic Report to The President. <http://www.gpoaccess.gov/eop/>

- 11- "The Pentagon and Climate Change" Monthly Review May 2004
- 12 - Bill Moyers, "Welcome to Doms^sday" New York Review of Books 52, No 5 [March 24, 2005]
- 13 - British Petroleum, Statistical Review of World Energy 2004, (www.bp.com)

با توجه به میزان ملت مردم جهان و خطر فاجعه باری در نظام سرمایه موجه محیط زیست می کند، چه باید کرد؟ نورا
 کاستاندا (Nora Castaneda) بنیانگذار بانک زمان در ورتوولا چیزی پاسخ ساده ای به این پرسش
 داده است: "ما در حال ایجاد اقتصادی هستیم که در خدمت این دنیا است، نه آنکه این دنیا در خدمت آن باشند."
 این توضیح می تواند بیانگر ظرفیتهای سوسیالیسم منعکس کننده امید میلیاردها انسان باشد. تا زمانی که به سوال در
 انتقاد بزرگ سوسیالیستی - در شوروی و چین - صورت گرفت بسیاری از نبردهای چپ را در مورد آینده سوسیالیسم در
 یاس و سردی کرده است.

بسیاری از ناعاقبت سفید پیری ساده انگاران نسبت به تاریخ داریم تصادفی را که بر سر راه رسیدن به نظم جهانی
 جدید وجود دارد نادیده می گیریم. جوامع مابعد نفی است آوردگار بزرگی داشته: اشتغال کامل، آموزش مجانی،
 خدمات پزشکی مجانی، صنعتی شدن، افزایش طول عمر، کاهش شدید مرگ و میر، طفلان در خیابانها درخت. این انتقادات
 راه پیشرفت بوی سوسیالیسم نشان دادند اما پس از مدت نسبتاً کوتاهی محور نظام مارکس اجتماعی از طرف پیدا کردند که نه
 سرمایه داری بود نه سوسیالیستی. سرانجام هر دو کشور قطعاً راه سرمایه داری را در پیش گرفتند. سوال این است که
 چه شد این انتقادها به از طرف کشیده شدند و آیا در کوشش مارکس آینده برای در پیش گرفتن راهی رادیکال یعنی
 راه سوسیالیسم در میانه برای یاد گرفتن از این رویدادها است؟ ^{کردن پاسخ های} ~~پیدا~~ حکم، مشکل یاد ما هم ادگار رینت
 همسر پاسخ را نداریم. اما می خواهیم خطوط کلی مطالعه و تحقیق را نشان دهیم که می تواند به درک عمل این شرکتها
 کمک کند.

به نرمانا ، هم تری موضوع این است که برخلاف از راه سوسیالیسم جناب ناپزیر نبود ، بلکه محصول سرمایه تاریخی
 مستثنی بود - تا حد زیادی بدلیل استقامت گروه امر جمعیتی کن دستور فکر قدیمی . این تئوری سرمایه داری پانچامانه دود
 خدمت گروه امر حاکم صوری قرار گرفت که بسیاری شان ، در عین حال که چند قیاس است حاکم بر فساد را حفظ کرده
 بودند ، در پی منافع شخصی خود دستگیر به ستای بالا که در سلسله مراتب حکومت جدید بودند . هدف اعلام شده ی
 دموکراسی واقعی یعنی درگیر بودن عمیق مردم در شرکت آنها در تعیین سیاست و دفاعت امر جامعه نوری ، بیشتر در حرف بود تا عمل .
 شاید یکی از دروغها - اگر توغیم تهری درسی - در مورد جوامع مابعد انقذی اثبات این مسئله است که سوسیالیسم یک سبب و یاده
 بیشتر منتهی در برای چنین ذکر گونا در رفتار اجتماعی و ایگامی توده مردم را برای برپایی طولانی در پیش است . این راه
 پر از تله و دام گام است . ما نوشته آنتون مسئله را ساده در روش این طور توضیح میدهم :

" ما کسیم - لنینسیم و تجربه اتحاد شوروی ، چینی و دیگر کشور سوسیالیستی را که به مای آموزد که جامعه سوسیالیستی
 دوره تاریخی بسیار بسیار طولانی را در بر می گیرد . در سر امر این ^{دوره} مبارزه طبقاتی میان بورژوازی
 و پرولتاریا ادامه می یابد و مسئله ای که انتخاب میان راه سرمایه داری و سوسیالیسم کدام برنده خواهد شد 
 بر جابر مبارزه به چگونگی که حفظ بر گشت به سرمایه داری بر جای خواهد ماند " (۱۴)

در این گذار طولانی به سوسیالیسم گفای یافته نیاز به فریگی برای فوی دارد که سرشار از جان بین صید می باشد .
 تا جان بین (ایدئولوژی) ، ارزش ها ، اصول چندتی و عقاید است غالب در سرمایه داری ، قدر عذانه دینی توانند
 یک سبب به چیز دینی تغییر کنند . ما در جامعه ای زندگی می کنیم که نه تنها خود خواهی ، طمع ، فزگرای و روحیه فساد
 گزینا به جان هم را ترغیب می کند بلکه اغلب به چنین فریگی نیاز دارد . ^{در حالیکه} جامعه سوسیالیستی به ایدئولوژی
 جسی داشته ای که با عملکرد اجتماعی عمیقاً مفادای خوانائی دارد نیاز داشته و به ایجاد آن کمک می کند ؟

جامعه‌ای که هدف محوری آن تک‌به‌تک مردم، ممنوع شدن سلسله مراتب، مصلحت بر خفتن مقام و وقت بومی برای
اجتماعی است. مارکس مستند دوا در مروط به چنین تغییراتی را از نظر فلسفی این طور مطرح می‌کند:

« آئین مائریستی که بنان در حصول شرایط و تربیت و در نتیجه تغییر انسان را نتیجه‌ی شرایط و تربیت

ادراک می‌دهد که این انسان مسدود که شرایط را تغییر می‌دهد و آسوزی دهنده خود باید آسوزی

داده شود. سایرین این آئین ناگزیر جامعه را به هر جنبی تقسیم می‌کند که یکی از آنها بر جامعه برتری

دارد. تقارن دیگرگون سازی شرایط و فاصله مارکس از دیگرگونه خود آنها می‌تواند در عمل فعلی

درک و بطور عمیقی فهم شود « (۱۵)

جدیدترین گفته در نقل قولی باشد « عمل زندگی » است. و این که چه بالائی از شرکت مردم در فرایند تولید برای

برای سخن جامعه نوین را می‌طلبد. این، به نوبه خود لازم نیاز به آزادی کامل قوه کار مردم در شوق آنها

به انعقاد از رهبران و مورد سوال قرار دادن سیاست مارکس دارد.

آئین
تجزیه سوسیالیستی

شکست تجزیه‌ی بورژوازی جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی به عوامل جدیدی مربوط است. به علم نبود کسی از نظر افاه

اجتماعی و پیشرفت صنعتی چینی، بیگانه حفظ شدن سوسیالیستی روس و استواری در آنها برقرار است. قطعا آن سوسیالیسم که

مورد نظر مارکس بود. شوروی اگرچه کمونیسم را می‌داند اما سوسیالیسم هم نبود. ماقبله در صنعت این عهد (مانند رولو)

برخی از برداشت مارکس را در باره شکست اقتصادی و اجتماعی موجود در شوروی بطور موضعی مطرح کرده ایم (۱۶) در اینجا همی

آن بحث ما را تکرار نخواهیم کرد بلکه حمله‌های از موعظت کلیدی را با استفاده از گزیده‌های از کتاب تفاوت

تفاوت مطرح خواهیم کرد.

نقدی

پنجم ۱۹۱۷ در حالیکه برسی دنیا را کن داد اما جامعه مایه آن با نظرات متعددی ردیو بود . چهار سال
 جنگ داغ جامعه سوودی را از هم گسخت ، بحسن بزرگی از زور سخت جامعه را نابود کرد و ترک و نابودی فرادان به بار آورد .
 جامعه پنجم بر تونی با نظرات معین قدرت مار بزرگ - ایالات متحده ، بریتانیا ، فرانسه و غیره - به گردن انقضای ملیونی
 آورد بود . با این همه و با وجود مشکلات و غم ، اتحاد سوودی به محضی که توانست نفس تازه کند با سرعته پیگیر کوشش کرد
 اعلان دسترس عادلانه به مسکن ، آموزش ، خدمات پزشکی و نگهداری از سالمندان و معلولین را بر مردم فرام کند . نکته‌ی
 برای جیسپر و حتی همان اینتر ، دستاورد به استقلال کامل و تمام آن هم زمان با موفق بود که غریب در درگیری بحران بزرگ
 فرو رفته بود . در آن سالها حتی در ژوئیه نیمی گوئور سرسایداری بطور معمول ۲۰ تا ۳۰ درصد بیکاری وجود داشت .
 حتی جنگ هم همان برای شکست به منظور آماده کردن برنامه‌ای برای شرکت مارکس‌گنده ابزار ماشینی از این
 صنایع بازده میکرد . همین این صنایع بارها با و می‌گفتند که ادراک بکار شرکت آنها در ادع بحران اقتصادی بسیار
 وسیع به سبب مهارت بود که از سوودی برابر برنامه پنج ساله در جهت سپردن . عمده بر این سوودی با تکیه بر توان
 خود ، کتوری معتد چنانچه از نظر صنعتی را به کتور پیشرفته صنعتی تبدیل کرد - کتوری که توانست آرنی دینروی جوان
 بجزر کند که نه تنها در جنگ هم همان در برابر مجاذد آسمان دستاورد بلکه در شرکت نهان آرنی آلمان نقش عمده‌ای بازی
 کرد . با این همه چنانچه نهان سوئیسیسم از همان سالها اول به از پنجم - عمده‌ای به دلیل رسته بود که می‌تواند آنرا
 و در این راه برای ، با ناسیونالیسم بخوانی تا عهد زیادی به برادر کشنده .

دیوینا لاری و ناسیونالیسم

جامعه مایه نقدی روسیه از جامعه ای که آل سوئیسی که توسط مارکس و انگلس پیشنهاد شده بود گفت به دور افتاد .
 مارکس و انگلس هیچ سخندی برابر جامعه جدید نمی‌دیدند . گرفتاری‌ها و در دربار مبارزه در راه سوئیسیسم از عهد اعلان شرکت ؟

با پیروزی امر متعاقب و برود و چست در نبرد تا انتقال قدرت از طبقات با N به طبقات با M و استقرار کامل آنرا نیز به
 وقت پیش بینی نکرده بودند اما با موضوعی از سه حادثه زمان خود و تأیید اصول جمهوری مردمی ، در باور خود به پیروزی نهایی
 سوسیالیسم هیچگاه ترنزل نثان ندادند . ساجری اینکشته از کون پاریس استقبال کردند بلکه آنرا مورد مطالعه قرار دادند -
 از جمله در رساله "جنب دافع فرانس" بقیه مارکس . انگلس در پیشگفتار خود بر این رساله مشتفا به سیاست مارکسیستی
 کون پاریس می کند . به نظر او آنچه اهمیت حیاتی داشت ، کوشش کون در برقراری تدبیر مارکسیستی در برابر تشکیل
 نوعی رهبری بود که بعداً به ارباب جدیدی بدل شود :

" کون از همان آغاز مجبور به تشخیص این مسئله شد که وقتی طبقه کارگر به قدرت رسیده می تواند با این دولت
 سابق کشور را اداره کند و برای اینکه برتری تازه فتح شده این را دوباره از دست نبرد از یکسو باید تمامی
 این سرکوبگر قدیم را که قبلاً علیه خودش از این استفاده می کرد از میان بردارد و از سوی دیگر خود را در
 برابر نمایندگان دستورات منتخب خودش محافظت کند برای جلوگیری از تبدیل دولت وادگان به آن
 از حد شکر در جامعه به اربابان جامعه - تغییر جناب ناپذیر در تمام دولت مارکسیستی - کون از آن وسیله
 حفاظت پذیر استفاده کرد . نخست آنکه تمام مقامات اداری و قضائی و آموزشی را بر پایه انتخابات برگزیده
 بشرطی فراخانی بی قید و شرط آنها توسط نمایان رأی دهندگان برگزیده . هم آنکه حقوق عمومی مقامات از
 بدلات با این امتیازات حقوقی دیگر کارگران یعنی سه از این طریق مانع سوئاری در برابر مقام دولت و
 جاه طلبی بوجود آمد و این عملده بر حکام انزاعی بود که به نهادهای نمایندگان نهادار انتخابی بهمراه سده بود "

اعتقاد سوردی برعکس با سرایت و تجربه ای وجود بود که منجر به رشد بود و کوی سه و بعداً بر جامعه سوردی مسلط گردید .
 شایسته تروتسکی در بیان جنب دافع از این ذکر کردن دارد :

نقش کوچکی

" رضی کردن از این سرفه سیلونی ~~نقش کوچکی~~ در وجود آوردن دولت لاری نیست . زمانه آن

فایده ، معنای بالای در سواد امری ، اقتصاد و بخش آموزشی است آوردن و پیگیری آن در هر جا از
درست کردن که پیروزی در جنبه دفاع را تضمین کرده بود . برین ترتیب توده کار مردم به تدریج در هر جا از
سازگاری در امری کشور « در نگه داشته شدند » (« خینت به انقلاب - نوشته تروتسکی »)

طی دوران کمونیست و پرولتariat بازسازی بعد از جنگ اول جهانی و جنبه دفاع معنای آن در این امری مثل سرطان شده کرد .
دیگر نتیجه آنست که کنترل اقتصاد و جامعه در دست ^{دولتی} متمرکز گردید که اقتصاد کوچکی بر آن حاکم بودند ؛ اقتصادی که
تسلط شدید بر قدرت دولتی داشته . به موازات آن بخش بخشهای از مردم - بهر آن فرضی ، روش صنایع ، معنای
دولتی ، جهلان ادنی ، روشنفکران و هنرمندان - تبدیل به قشری صاحب امتیاز شدند . قشری که جامعه و سلسله مراتب
بعد از دولتی جا افتاد و بر پشت و انگلی بنیاد است (تروتسکی) اثر گذار است و در بازسازی و شکل سبزی اجتماعی جدید نقش
بازی کرد . این قشر سبزی منافی نصیب قرار صاحب امتیاز نیگود : نه تنها از نصیب در آمد ملی از آن معتر از نصیب خدود
در کیفیت مراقبت کار بزرگ ، آموزشی ، حمل و نقل (خانه کار میله) بعد از آنکه کارخانه بزرگ در (تهران) ، تزیینگاه کار
تعلیق ، کلیه کار مخصوص کار ، اتومبیل و در کسری به سوادخانه که در بازار و بهر آنی سلو . طبیعتاً به همان اندازه که
صرف این قشر با آن افزایش می یافت ، کمتر در دست کار مردم ^{بسته} قرار می گرفت . امتیازات و قدرت افراد قشر با آن به
اولاد آنها نیز میرسید . اما وجه امتیاز این وضع نسبت به سرمایه داری این بود که مالکیت مخصوص بر دولتی و کلیه بهر آنی این
سیستم فرماندهی از میان سلسله مراتب با قدرت هر چه کمتر بر اثر جنبه کار زندگی مدنی و کل اقتصاد کشور حاکم بود .
وجه چرته دیوانه لاری گسترده عبارت بود از انعطاف ناپذیری (نصیب) و عدم امنیت دائم در میان بخش صاحب امتیاز -
نیاز به محافظت از منافع خود ، اثر از از دست دادن موقعیت ممتاز و حتی ترس از زندان . دیوانه لاری عموماً در همه
مبادا ، مؤسسه دولتی و سندیکای هر صفتی نفوذ گسترده داشت . برین ترتیب سیستم حاکم بر شوروی اقتصاد کار مخصوص بود را
وجود آورد : ساختاری دیوانه لاری که کافه همه از مردم عمل می کرد و حیوان انعطاف ناپذیر شده و محکم جا خوش کرده بود

که قادر بود هرگونه اصلاحات سیاسی و اقتصادی در جهت بهبود کارخانه در تولید و توزیع را اختیار کند . پایه پوی این حکومت
چندین در سربل زندگی میان جنبش‌های مختلف مردم ، میان جمهوری و دنیای شرقی وجود آمد . در هر یک از جمهوری‌ها ، فشار با
دستور با جدیت دنبال رسیدن به مقام بالتر و شیوه زندگی بهتر از نوع طبقات بال و متوسط غرب فزاید .

در این نوع ایزت از اصول سوسیالیستی در مورد مسئله ملی اتفاق افتاد . قرارداد روس با اندوختی هر چه تا آنکه بر مناطق وسیعی
ترب از ملت‌های مختلف با ارقام متفاوت دست یافتند . قرارداد او این چنین است روس یک امپراتوری وجود آورده . پس از سرنگونی
تزار بر سر اینکه با این وضع چگونه باید رفتار کرد میان رهبران حزب کمونیست اختلاف وجود داشت . در این موقعیت به عنوان
سوسیالیست چه باید کرد ؟ یعنی موضع تئوری امپراتوری داشت : تشکیل فدراسیونی از ایالات مختلف که هر یک حق جداگانه
داشته باشند . علاوه بر آن قانون اساسی باید طوری باشد که روسی وجود امپراتوری میان ملت‌های مختلف بجز حد . آسان
پشتیاد است یعنی را بعنوان اینکه زمانیکه اندک تصور میکرد . حاصل کار تشکیل فدراسیونی بود که روسیه در مرکز آن قرار گرفت

د روسی کردن (ایالات) قانون حاکم س . (۱۷)

برنامه توسعه اقتصادی که به دنبال آمد بازتاب از موقعیت برتر روسیه [نسبت به جمهوری‌های دیگر] بود . این واقعیت
دارد که جمهوری‌های خاور میانه‌ای و آسیای شوروی بعد از انقلاب از حیث چیزی بطور چشمگیری پیشرفت کردند . بطور مثال
سلج زندگی ، آموزش و بهداشت فزاینده جمهوری‌های خاور میانه‌ای و آسیای شوروی از ارقام مشابه در آن سوی مرزها بود .
پیشرفت به جمهوری‌های آسیای شوروی نیز گسترش یافت . با این همه اختلافات عمده میان مرکز و بخش‌های پراکنده
برجای ماند . گمانیکه آمار رسمی امپراتوری منتشره در سال ۱۹۸۷ - ۷۰ سال پس از انقلاب - گزارش میدهد :

در در کل کشور ۲۱ درصد از دانش آموزان ... در مدارس هستند که گرگامی مرکزی ندارند ؛ ۳۳ درصد آب
لودگنی ندارند ؛ ۴۰ درصد فاضلاب ندارند ؛ (۱۸) ما بر این باوریم که این کمبودها نشان دهنده ادولت
است که در مرکز (روسیه) اتحاد سلسله بود . از این رو بطور مثال در ترکمنستان ۶۰ درصد از ایالت‌ها ،

مخبر کار پزشکی و بهداشتی نارکودمان فاقد آب جاری بود و نزدیک به موسم بیماری‌ها در آنجا لاکتی داخل می‌شد (۱۹)

پس از آنکه کمیته نسیب مستقرات سابق روسیه کرد تا چندین مورد میان مرکز و پروکون بر جای ماند. بصورت کلی

مطابق تولید داخلی داخل سرانه روسیه با چند جمهوری آسیای میانه از ۷۰ تا ۸۰ حکومت شوروی در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- تولید داخلی داخل سرانه (۱۹۹۰) - جمهوری‌های مختلف نسبت به جمهوری روسیه

جمهوری روسیه	۱۰۰
آذربایجان	۶۰
قرقیزستان	۴۶
تاجیکستان	۳۹
ترکمنستان	۴۷
ازبکستان	۵۵

(۲۰)

عمده برکات میان روسیه و مستقرات قبلا تزاری ثبات همراهی میان مجتهدی مختلف خود روسیه - میان مسکو و مناطق عقب افتاده آن - از جهت سطح زندگی و کیفیت زندگی بر جای ماند

برنامه ریزی و اقتصاد شوروی

بیشتر مشکلاتی که بخوبی در ایران در اتحاد شوروی در اواخر قرن بیستم گردید به اقتصاد آن کشور و شیوه سازماندهی آن در سالهای اول انقلاب مربوط اند. معمولاً نگاه مسکوت اتحاد شوروی به گردن استفاده از برنامه ریزی مرکزی گذر می‌شود. حتی کسانی هستند که ادعا می‌کنند که دشمن اقتصاد با برنامه در کشور بزرگ و پیچیده غیر ممکن است. بعضی هم "سوسیالیسم بازار" را به عنوان التریاتیو پیشنهاد می‌کنند. اما ناکامی اقتصاد شوروی تنها بدلیل برنامه ریزی نبود بلکه ریشه در ویژگی‌های خاص نوع

برنامه ریزی داشت - سیستمی که در شرایط مستقر بزرگ تحول یافته و میری پیدا کرد که با آنچه نقطه بیرون اولیه تصور میکردند بسیار تفاوت داشت . در همین آنچه در اتحاد شوروی اتفاق افتاد برنامه ریزی بدون دشمنی برنامه ریزی واقع میانه بود . اتحاد شوروی

بجور خود به برنامه ریزی بلند پروازانه با برنامه ریزی ^{بروزی} صنعتی سازی عظیم - آن چنان که در سال ۱۹۲۰ دیدیم - دست زدن . بخش مهمی از رهبری و در رأس بود خواجه ^{لافتار} در پیش گرفتن میری آسمانه آرد و تریکی تر بودند . اما وقتی تقسیم

گرفته شد تحت آن شرایط به غایت سخت ، طرف اولیه سرعت جنبشیدنی باور نکردنی به رشته اقتصادی باسره جی پیاید با ^{فرمانگری} به خیال می آمد : افزایش عظیم نقش ^{دولت در} اقتصاد ^{دولت در} مرکز شده به تصمیم گیری و اعمال ^{سختگیری} و انضباط شدید مردم . برنامه پنج ساله

اول صحنه را برای بیشتر آنچه می باشد از نظر اقتصادی ، جنبشی و سیاسی در اتحاد شوروی اتفاق افتاد آماده کرد . اهداف و گامان صنعتی کردن سریع کشور و ایجاد توانائی دفاعی قدرتمند - که هر دو در شرایط موجود جهان آن روز پر اهمیت بود - با آغاز

اولین برنامه پنج ساله در ۱۹۲۸ ^{فکر و ذکر} مسأله در شوروی تبدیل شده . تلاش برای پیاده کردن برنامه ریزی با اندازه بلند پروازانه با توجه به منابع طبیعی و هسانی موجود - و بدون مشارکت وسیع توده مردم در برنامه ریزی آن - منجر به ^{سختی}

مکرر از نتیجه در بحال فشار گردید .

تا زمانی که اقتصادی توانست به رشته سریع خود ادامه دهد ، جای مانور دادن برای جلوگیری از رسیدن اقتصاد به نقطه بحرانی و ^{انفجار} آن وجود داشت . اما هنگامی که نرخ رشد اقتصادی اُفت کرد و با ^{۱۹۲۹} در سال ۱۹۲۹ ^{دیدی}

۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ اقتصاد دچار رکود گردید ، صحنه برای بحران عمیق آماده شده ؛ بحرانی که در نهایت منجر به برقراری مجدد

نوعی سرمایه داری حرازه شده . اما سوال این است که اقتصاد با فرمانهای از بالا و کنترل سلسله مراتبی با بحال نادر -

که فقط یکی از راه ^{موجود} ^{میشود} کار از سال ۱۹۲۸ به بعد بود و با این همه در سال ۱۹۳۰ و ۱۹۳۱ خوب بحال کرد -

چرا در سال بعد به رکود گردید . در سال اول مقادیر زیادی نیروی کار در شهرها وجود داشت و مقادیر بیشتری نیز از

منطقه روستا و حیوانات تأمین گردد. لغت منابع طبیعی و از غیر موجود بود. با بررسی سازمانهای کارخانهجات با کنترل شدید دولت برای بازسازی استفاده از منابع انسانی طبیعی که منجر به رشد سریع اشتغال و تولید گردید، امکان پذیر بود. توسل به حسن مین پرستی و آرامش بخت در ایام نخستین به این میترفت که جوهره در مکانی که کشور با تهدید حقیقت و سپس با واقعیت آن روبرو بود نقش بازی میکرد.

آنها پس از آنکه بازسازی بعد از جنگ به اتمام رسید، استفاده از اقتصاد متمرکز و (مانند) از بالا که کوشش دولت تقریباً همه بصیغه گیری کار اقتصادی را زیر کنترل خود داشته است، دستیاب مجدد به نرخ رشد سریع را با موانع چیزی را برود کرد. در شرایط جدید روال کار که قبلاً از آن استفاده میشد به عامل مخرب تبدیل شد. نخست اینکه رشته جمعیت فعال بود به کاهش میترفت (به دلیل تلفات عظیم ^{انسانی} سنین زود دولد در جنگ و کاهش عمومی میزان بچه دار شدن). دوم اینکه تهدید مواد خام با اتمام معادلی که استخراج از آنها آسان بود.

با مشکل فرسایشه با روبرو شد. در سال ۱۹۷۴ پیش از آنکه بسیاری از توسعه بحران اقتصادی جهانی آنگاه شروع شوند،

موسسه لویی نوشت:

« در ساز و کار اقتصادی که در اوایل دهه ۱۹۶۰ پذیرفته شده بود، جنبه بار حکومت به شکستی وجود داشت که موانع از دیدن مشکلاتی که پنهان مانده بودند. طرز روزگار در این کشور که بر چه موانعی میترفتی صرف اینست سرمایه گزاری می شده بهره بست آمده از این سرمایه گزاری که رو به کاهش شده در نرخ رشد با این ترکیب... تحولات نشان میداد که فرانسویان به سینه تار گردانیدن اقتصاد کل فرسایش تولید را آموخته کرده بودند استراتژی کار به کار گرفته شده به ضد تبدیل می گردید و بطور اضطراری به تجدید نظر نیاز داشت. پایبندی یک جانبه به اولویت دادن به سرمایه گزاری در صنایع سنگینی که بقرار راز اعلی مرفعت میوانست باشد همراه با تخصیص مقدار عظیم انرژی کار در این راه همراه با امکان فشار و سرکوب سیاسی بفره میرسد که عوامل مؤثر در این روند اقتصادی بود.

اما تعصب و فعالیت موجود در پشت این رویکرد با پیشگامی و سرنگانده بود. صنایع سنگین هنوز با دست و دل بازی

از جهت دسترسی به قیمت به توجیه به کالاها مصرفی مورد توجه قرار می گرفت و تولیدات با هزینه بیشتری در خدمت صنایع مستقیم قرار می گرفت تا کالاها مصرفی. آنچه صنعت اقتصاد شوروی را برپای می داشت بیان کند "تولید" ساختار تولید بود و این کار نه سطح زندگی مردم را بهتر می کرد و نه در آسودگی با اندازه کافی از آن بهره مند می کرد" (۲۱)

اقتدار که توسعه پیدا می کند برای بالا بردن بار آلودگی کار و قدرت تولید ماشین های جدیدی جای دستی که دستگیر می شد می شود و در این کار نیاز به سرمایه گذاری دارد. اما در شوروی، تأکید بر سخن دمج کردن کارخانه های جدید بود و در این روش به توجیه به کارخانه های قدیمی تر شد. کارگران مجبور می شدند با وسایلی که فاقد کارآیی کارکنند و در نتیجه به این اربابان فسادن وسایلی، کارخانه ها مکرراً می خواستند. کجود مواد اولیه نیز موجب گردید که رضای کارخانه های جدید بسیار آهسته تر از آنچه انتظار می رفت پیشرفت کند.

در حقیقت در شوروی کارآیی آن طور که انتظار می رفت پیشرفت نمی کرد چرا که از آنجا که در جهت مختلف به هر طرف از زمانه دیگر کارخانه های برای پایه بود که هیچ کارخانه دیگری توانست با آن رقیب کارخانه های موجود چهار کارآیی دارند. بنابراین به سرمایه گذاری در کارخانه های جدید دولت دارمی شد بی آنکه آنها "صنایع لازم برای تمام کار را داشته باشند. برنامه ریزی در ایران سندی است که بعضی منطقی تعیین می کردند نیاز به تولید چه چیزها را و برای چه کسانی وجود دارد تا بهتری را - ایجاب آن را پیدا کنند. در ضمن سخن کارخانه های جدید خود تبدیل به یک ابزار تولیدی شده بود.

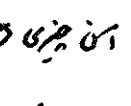
شیوه کار کارخانه ها عموماً بر پایه اصول عملکرد قدیمی کارخانه های خود بود که طبق آن در سندهای جدیدی قطعات مختلف لازم برای فرآورده خاصی را تولید می کرد. از سفته و فلورینگ گرفته تا فولاد و غیره. این نوع سازماندهای تولیدی، بخش زیادی از کارآیی را به هر چه می داد زیرا آنها بودند و همه کسندگان متعدد و با توجه قطعات ایجاد مسکن در هر بخش از تولید می توانست کل سندی را مطابق نمود قطعی لازم از کار بیاندازد. تا کار آیی

بسیار برتری نیز در اقتصاد شوروی وجود داشت . در مناطق روستایی ، سبزی کاشی برای ابقا کردن غله وجود داشت و در نتیجه
 معمولاً فراوانی صنایع می‌ساخت . بنود جاده مار خوب میان شهر روده ، صلح و نقل کالا ما را با اقتصاد روبروی کرد .
 قدر مسلم آن است که بحران اقتصادی موجود قبل از روی کار آمدن گرچین به دیده ای آفتاب نبود . اقتصاد شوروی
 طوری سازمان یافته بود که تا زمانی می‌توانست رسته گفته که صنایع عظیمی در خدمت آن زیج شود . اما با تده کسین صنایع ،
 مجزای اقتصاد با زمانه‌های از بالا دور می‌ماند . دامانگی در جایگاهی از سیستم انتقال سده در مرحله نخست توسعه شوروی
 - سیستمی که به نوعی (مانده‌های و کنترل از بالا بر پایه رسته ای وقت صنایع همراه با رسته های وقت دیوانه‌های بزرگ و چسبیده به
 قدرت با اعتبارات مستعد و یادداشت مار فراوان تبدیل شده بود - به این معنا بود که دیگر راه گزینی وجود نداشت .
 پس از ترک استی این راه حل مارخیزی مورد بحث قرار گرفت و آزمانی سده ، اما آنچه مورد نیاز بود تجدید نظر
 در کل سیستم از طریق عمل فکری به شیوه ای بود که مارکسی ^{در باره این} نوشته بود . در خصوص مورد آزمانی و پیش بینی سده ، فرانکلین
 می‌سده زیرا مشغول دستاویس مدیران صنایع و دیگر کسینهای صاحب اختیار جامعه را به خطری انداخت . گمان ما بر آنست
 که در میان بالاترین قشر رهبری عمده فراموشی به خصوص سازی مسائل تولید بخوانی وسیله‌های رسیدن به ثروت و امنیت مالی
 برار خود و فرزندانشان وجود داشت .

تجربه چین

بشکلی که دانش سرخ به رهبری حزب کمونیست چین در سال ۱۹۴۹ وارد چین شده متدار کار ~~لازم~~ لازم برای مجاور
 کردن راه ورود به سوسیالیسم از کار هر کول هم سنگینی تر بود . گرسنگی بیداد میکرد . فقر در آن کشور چنان بود که
 ای گفته گاندی در موردش صدق میکرد : " فقر بزرگی نوع خشونت است " . در صفت انواع بیچاره‌ها در سراسر
 چین گسترده بود هیچ سیستم خدمات پزشکی وجود نداشت . ^{در این} توده‌ها کر عظیم مردم بی سواد بودند . آموزش در حد بسیار
 محدودی وجود داشت . مردمی ای سزای بسیار به دست به دست هم داده بود تا این واقعیت حیرت انگیز را بوجود

آمد که : توسط طول عمر مردم چین در آن سوع ۳۵ سال باشد !

رئیس جدید با انجام یک عمل جراحی قدیم را زیر درو کرد : رفع نیاز اولیه مردم اولویت در عبدال بجز گرفت . سیستم
حضرات پزشکی در سرپرستور برپاست و یکبارگی بنگانه علیه بیماری مارداگیر آغاز گردید که موجب کاهش سنیه یا از بین
رفتن کال بیماری مار شایع شد . سهولت آسوزی وسیعاً گسترش یافت و تلاش همه جا منتهی به برای سواد آموزی ،
میزان با سواد را در سرپرستور گسترش داد . اصل "کامه آمین بونج" - سیستمی که شش نام عمر با حقوق باز نشیج
مطهر در نوست ولتی را تأمین میکرد - پیاده شد . در اوایل دهه ۱۹۵۰ به هر دهقان کمی از این چیزی 
که بول و شایوم هینتون (W. Hinton) " ارزشمندترین وسیله بنیانی تولید یعنی زنبی است رسید . نتیجه

حقیقتاً مردمی این کشورها برابر پیوند زنده مردم این بود که عمر متوسط مردم چین در سال ۱۹۸۰ به ۶۵ سال رسید !

آنها این قدرت آوردند که جوشی بنیادی در شرایط فقدان دموکراسی ، راه را برای رشد دلفوز دیوانه لاری باز کرد .
ماوتس تونگ در همه نوشته‌ها سر در آن سالها علیه بوروکراسی جدیدی که نه تنها عبور از مانده آن در برابر زیر دستان
عمل می‌کنند بلکه امتیازات ویژه ای برابر خود پست آورده است زبان به ستایش می‌گشاید . ماوتس بارها خطر بوروکراسی
را توضیح داده بود . چینی‌های یار نزدیک ماوتس تونگ خطر را این طور توضیح میداد :

" صلته ملکی ، بورژوازی و دیگر طبقات استوارگر مدتی طولانی پس از سرنگونی شان ، در جبهه کولاسی

نه رفته با آن خواجه مانده . ما به هیچ رو آنها را نباید دست کم بگیریم . بطور مجزایان عناصر جدید بورژوا

در دستگیران بورژوازی جدید دستوارگران جدیدی یافتند در جبهه ، در لایب و ارگانها روشنی ، در سازمانها

اقتصادی و مراکز روشنی بوجود خواهند آمد . این عناصر بورژوا در دیگر استوارگران بدون استفا کوشش

خواهند کرد پشتیبان و عوامی در نهاد مارکس بالهر در چینی برای خود پیدا کنند . عناصر بورژوازی

قدم و صبر و در پی استوار کردن خواسته کوشید دست اتحاد بهم داده و به مخالفت با سوسیالیسم و اشتراک‌گرایی داری
دست زننده " (۲۲)

با نفوذ که ما کوشه و جنگ شده می‌کنند، حتی برخی از مقامات با ملی حزب کمونیست طبقاً خواهان در پیش گرفتن " راه
سرمایه داری " بودند. هدف ما از شروع انقلاب فرهنگی (۷۶ - ۱۹۷۶) تسبیح در دیگر کردن سوسیالیست‌ها نیز
از سطوح مختلف جامعه - کارگران، دهقانان، دانشجویان در دانشگاه - در مبارزه علیه نژادپرستی درون حزب
بود که از ایجاد سرمایه داری دفاع می‌کردند. بسیاری از روشنفکران چین دایره است معتقد به انقلاب فرهنگی را همچون
نوعی اشتباه غیرانسانی در نظر می‌گیرند. درست است که در همین انقلاب فرهنگی وجود داشت و در میان کارکنان
سرخ کرده آبرو خفتنی بود (که بعضی نیز کار در سرخ‌نار دروغین بودند که چنانچه " توسط افراد مورد حمله وجود آمده بودند
تا سردهنگی وجود آورند) و موارد بسیاری از رفتار محنت و غیر انسانی از جمله کشتن افراد دیده شده. اما از سوی دیگر
در مناطق روستایی به این دوره بحران باور مثبت تری نگاه می‌کنند - به عنوان دوره‌ای که زبورات اقتصادی
خداداد یافته و به مشکلات کردها ^{منطقه} بحران توجه شده.
در سال پیر از بزرگ ما کوشه و جنگ جهانی که با دوری مقامات حزب چین دست به ^{صلوات} کشته‌های زنده و امپراتور
های انقلاب را را کردند، تغییر بزرگ - در واقع محبت کردی کامل - در کت گیری تحولات جهانی و اقتصادی چین از سال
۱۹۷۸ به بعد آغاز گردید. (۲۳)

مانند می‌توانیم دانه می‌خواهیم بر آن کار رود و دشمنی طواغیت کت گیری صبر را تشخیص دهیم. در دستور پیشین
با کوشش بگردیم خطوط کلی بیچ و تاب مانده را که انقلاب چین پس از سال ۱۹۴۹ پشت سر گذاشته است توضیح دهیم.
اما آنچه تا کنون استوار شده، این است که در تار و پودر در میان رهبران در باره رفتار جامعه چین و

استراتژی تحرکات آریه ای، چند فاکتور عمده وجود داشته است. در یک سوگن وجود داشته که میخواستند:

- (۱) - با پیرایسیم خارجی (که کنار سرتیغ کور را محله در کنترل داشت و در آنجا سرمایه گزاری کرده بود) مبارزه کنند؛
 - (۲) - کور را از زیر نفوذ دائم براندازند؛ (۳) - شکست به دشمنان وارد بومست قرار دهند؛ (۴) بر ناسیونالیسم ازادی
- آن (Han) مذهب ^{مکتب} و توجه زیادی به تعلیمات ماری معطوف دارند. از سوی دیگر در بودند که میخواستند با دادن اولویت درجه اول به صنعتی کردن کور در جهت مجتهدین به پیشرفت آن چین را به قدرت بزرگی تبدیل کنند.

ما این مطالب را به عنوان مستفصل بود چین می نویسیم. توضیحات بالا تفسیر ما از تاریخ متلا چین بود.

برف اعلام شده توسط رهبران اصلاحات است که آن را "سوسیالیسم با چهره چینی" (که گاه اقتصاد "سوسیالیسم بازار" نیز خوانده می شود) نامیده اند. بدین ملاحظاتی بیشتر در باره جنبه مارکسیستی این مکتب گرد بیرون می آید. برف محرمی انتقاد وجود آوردن جامعه ای برای طلب بود. مکتب گری جامعه چینی در سی سال اول انتقاد هم در واقع چینی بود. "سوسیالیسم با چهره چینی" ^{که در آن به شرح گفته} "تدریجاً شدن شوکومند است"

سرعت "راه سرمایه داری" را در پیش گرفت و تمام پیاده های رفاهی نامی از آن چه از نظر اجتماعی و چه محیط زیست (که قبلاً شرح داده شد) با نیت هر چه تا سر به برارند.

خلاصی جدید چینی برای رهبر رسته بسیار سریع تولید و در آمد می شده است. اگرچه این نرخ رسته بالا در اقتصاد بسیاری

را سخت حیرت زده کرده است. اما باید خاطر داشت که زیرساخت اقتصادی بوجود آمده چینی دوران انقلابی و قبل از "فصلیات" بخش بزرگی از این رسته اقتصادی را میهنی شده است. دلیل دیگر آن افزایش عظیم صادرات ^{چین} (از ۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به ۴۳۳ میلیون دلار در ۲۰۰۳) است و

که بخش عمده ای آن مینوی سرمایه گزاری خارجی است که بر پایه مزایای بسیار مادی کارگران چینی مافوق بود میرند.

با در پیش گرفتن استراتژی سرمایه گزاری در تولید نوع سرمایه بر (Capital intensive) در دستگاه مارکسیست چینی

کار " بیسن " در ۹ درصد از رشته متوسط سالانه ۱۱٪ در صدر ارزش افزودن در صنایع میان سال ۱۹۹۳ تا

۲۰۰۴ به سکن رشته در بهره وری کار بوده است نه رشته اشتغال " (۲۴)

با تمرکز دادن رشته بسیار با روی مقیاس در کارخانه های خودکار (اتوماتیک) در جهت صادرات و در موقعیتی که کارگران

قادر به سازماندهای آسان و با مهارت و پر تجربه هستند ، ثروت ایجاد شده به سوی کارگران سرافراز شده است . این وضع یکی

نظم برابری طلب قبلی کشور کوئیک شروع شده و طبقه متوسط مرفعی را بوجود آورده ، در حالیکه طبقه مردم است به گریبان فقر ،

عدم امنیت ، بیکاری ، تنزل سطح آموزش و خدمات پزشکی اند . اثرات منفی این عقب گرد بر توده محظوم فقرا

سراسر انجام از سوی مسئولان رسمی در پی گرفته شده است . ^{انبار} سیاسی وزارت دارایی چین گزارشی در این مورد منتشر کرده است

روزنامه مردم آن لاین (People's Daily Online) روز ۱۹ ژوئن ۲۰۰۴ ساله ای منتشر کرد که می

سنه در این سفتکس سگه بود . مقاله با بیان این مطلب اعلام می کند که گزارش فوق از جهده و حقیقت زیر

راه سگه ساخته است : (۱) - " دستگیری سگه در توزیع درآمد و دستگیری سگه در توزیع میان سرآمدان و فقرا " ^{نام}

(۲) - " تمرکز بر چه جنبه نسبت ثروت و افزایش بر چه جنبه خف در ثروت خانواده " .

گفته می شود که نابرابری اکنون به نظری رسیده است که نابرابری توزیع ثروت در چین تقریباً مثل امریکا شده است

(جدول ۲) . علاوه بر این نابرابری در درآمد در مناطقی مختلف نیز وجود دارد ، (جدول ۳) . در بیشتر رشته

اقتصادی در کشور امریکای کسور متمرکز است -

جدول ۳- مقایسه توزیع درآمد در چین و امریکا بر حسب ۱/۵ صحت (۱۹۹۸)

۱/۵ صحت	چین	۱/۵ صحت
در صد کل درآمد ملی		
۲۶	۵٫۹	باومی ترین
۹	۱۰٫۲	دومین
۱۵	۱۵٫۲	سومین
۲۴٫۲	۲۲٫۲	چهارمین
۴۹٫۲	۴۹٫۶	با ثبات ترین

جدول ۴ - ضمیمه در آمار سرمایه (نسبت به پکن) ۱۹۹۵

۱/۰۰	پکن
۱/۰۴	گوانگژو
۰/۵۶	یونینگ
۰/۷۹	جیانگ سو
۰/۳۰	شانسی
۰/۴۱	هوبی
۰/۳۴	هنان
۰/۳۸	آن هوی
۰/۲۸	گان سو
۰/۲۸	یونان

(۲۶)

بجز مابقی از تقریباً در سال ۱۹۹۵ که از عقب گرد چین [از ادغام صنعت به این] می توان دریافت این است که "صنعت خودکفایم بازار"

سابق در وقت خود را دارد. هر قدم میزبان برداشتن قدم بعدی در سرمایه داری می تواند. طفران این
عقب گرد به این واقعیت اشاره می کنند که دولت هنوز صاحب شرکت ابرار شده با ۲۰۰۵ است. اما همین نیز در حال
تغییر است. در ماه خرداد ۲۰۰۵ شماره روزنامه چین گزارش داد که اکنون "شرکت ابرار خصوصی از نظر قانون مجازند
به اشتراک یافتن، تسهیل بانک در حساب معین، عرضه خدمات ارتباطی راه دور و ایجاد خطوط هوایی بپردازند. در
کسب نامه که سرمایه گذاری خصوصی اکنون در این مجاز است عبارت اند از: شرکت بهره برداری، آموزش و امور دفاعی"

(اول سرتیتر: جرنال ۲۸ فوریه ۲۰۰۵). تیترا درشت روزنامه فاینانشیال تایمز اول ماه مه ۲۰۰۵ نیز اعلام می کند:
"دولت چین اجازه آموزش اموال دولتی را داده است". این فرایند اکنون آغاز شده است. دولت سهام خود
شرکت زیر کنترل دولت نشانه بارز این بدیده است. این کار ابتدا با آموزش شروع کرده "شرکت کارتریج جیانگ شانگهای
سازنده وسایل سببه سبکی اجازه شده و با آموزش شرکت صنایع سنگین سانی تولید کننده وسایل ماشینی، شرکت کاپسول سازی
تسینگ هوا توینگ فانگ و شرکت صنایع انرژی پستی جی نیو که یک شرکت زغال است" (۲۰۰۵) (برای اطلاعات بیشتر ۹ مه ۲۰۰۵)

- 14- Mao Zedong, "On Khrushchev's phony Communism and Its Historical Lessons for the world: Comments on the open letter of the central committee of the CPSU" 1964
- 15- Karl Marx, Theses on Feuerbach. 3rd Theses
- 16- Prestoika and the Future of Socialism - Part I & II (March & April 1990); "Are ~~There~~ ^{There} Lessons to be Learned" (Feb. 1991); "A Note on Market Socialism" (May 1995), and Paul Sweezy, "Post Revolutionary Society" (New York Monthly Review Press 1980)
- 17- Moshe Lewin, Lenin's Last struggle (New York, Monthly Review Press, 1983)
- 18- The U.S.S.R. in Figures for 1987 (Moscow: Finansy i statistika 1988)
- 19- Nikolai Shmelev and Vladimir Popov, The Turning point [Doubleday, 1989]
- 20- A. Maddison, The world economy: A Millennial Perspective (OECD, 2001)
- 21- Moshe Lewin, Political undercurrents in Soviet economic Debates (Princeton University Press 1974)

- 22 - Report on the work of the Government, 30 December 1964 - as cited in: Maurice Meisner, Mao's China and After (Free Press 1986).
- 23 - William Hinton, The great Reversal: The Privatization of China, 1978-1989 (Monthly Review Press 1990)
- 24 - World Bank, China Quarterly Update, April 2005
- 25 - ~~World Bank's~~ World Bank's world development Index; Money Income in The United States 2001 (U.S. Census Bureau 2002)
- 26 - A.R. Khan and C. Riskin, Inequality and Poverty in China in The age of Globalization (Oxford University Press)

۴- "سوسیالیسم بازار" در برابر اقتصاد با برنامه

گفته می شود که علت اصلی قبول اقتصاد شوروی و خود شوروی بوسیله شکست برنامه ریزی مرکزی بوده است و خودی شوروی
 حتی "ثابت می کند" که برنامه ریزی مرکزی عملی نیست. برخی از افراد پیشرو یک اقتصاد با برنامه به دفاع از "سوسیالیسم بازار"
 برخاسته اند. ایشان انگیزه از سوسیالیسم بازار مطرح می کنند که ^{قادر است} چیزی به معنی تارا ^{درمان} کند - در حالی که براننده
 قامت هر صنعت تاریخی است. این رویکرد بر پایه هر فرضیه قرار دارد؛ این: برنامه ریزی غیر عملی است؛ و ب:
 بازار، زیر کنترل صحیح می تواند جامعه سوسیالیستی داشته باشد وجود آورد. ما با هم در این فرضیات مخالفیم.
 هم این است که هم جنبه ^{بازار} خوب دیم به برنامه ریزی در شوروی را بشناسیم. آن نوع برنامه ریزی شوروی ^{بود که} ^{عقب افتاد}
^{و توسعه یافته} راه جامعه صنعتی پیشرفته ای تبدیل کرد. با نظریه "عقله" - در "۳۰-۳۰" است، که دریم شوروی فرضیه تولید
 قدرت نظامی توانمندی را پیدا کرد که توانست در برابر قدرت نظامی کشور بسیار پیشرفته صنعتی باشد. شوروی با صلابت
 کردن بسیاری از کارخانجات به کوچک امداد و آموزش نیروی کار گری بی تجربه را در دهی کوتاه، توانست صنایع گذرا
 از خطر محاسبات دور. این کار را بدون برنامه ریزی امکان پذیر نبود. حتی اولاد مستعد مجبور شده بود برای تأسیس
 آذوقه و مسکن برابر ارتش خود در جنگ تمام جهان نوعی برنامه ریزی مرکزی اتخاذ کرده و پیاده کند.
 نقص ما در مورد اقتصاد شوروی که به کلماتی پس از بازسازی فضای مارکسیست هم ^{شکست} ^{پایه}
 برنامه ریزی مرکزی نبود بلکه به دلیل سستی بود که برنامه ریزی پیاده می شد. برنامه ریزی مرکزی در دوران
 صحیح نیازی به کنترل مداخله مرکزی بر جزئیات تولید ندارد. فرماندهی از بالا و نبود دموکراسی نه تنها جزو
 ضروری برنامه ریزی مرکزی نیست بلکه به برنامه ریزی خوب لطمه میزند.

پیش از آنکه سوسیالیسم بازار را مورد بحث قرار دهیم لازم است بدانیم که بازار خود نامرئی دارد و حسب سازگاری با هر
 وضعی منتفک آفرینی کند. بازار به انواع گوناگون است محدث از هزاران سال پیش وجود داشته است. در هر گامی پیش
 رفتن از تکلیف هرگز با قشر بندی طبقات شان قبلیه نگاه به نگاه دیگر میکنند و فرآورده هر خود را با هم مبادله میکنند.

با این طبقات - دهقانان، صنعتگران، کارکنان دولت (بردهگان، کاتبان و شکان) و کاتبان و غیره -
 بازار محضی مادی از زندگی روزانه مردم سرگذرد این فرآورده ها به فردش می رسد و مالیه ها جمع آوری می شوند تا
 کارکنان غیر موله بتوانند نیازهای ضروری مثل غذا، درنگ و لباس خود را تهیه کنند. بازار مادی یعنی با عرض
 کردن فرآورده هر متنوع در یک جا وسیله ای رحمت برای مردم بود که می خواسته بحدی آن جنس را از بنداری
 کنند.

بازار اگر چه در تمدن پیشین اهمیت داشته اما با رشد سرمایه داری و کالاهای شدن بمری فرآورده ها و خدمات از عهد
 کار و طبیعت، اهمیت حیاتی پیدا کردند در سرمایه داری عمده چهار نوع بازار داریم که از نظر سواریک قرار است برای جنس
 و صلح بنگاه ^{بازار} با هم کار کنند.

نخست بازار کالا مگر معرفی را داریم. از دیدگاه نظریه پردازان بازار قیمت این کالاها بر پایه میزان نسبی عرضه و
 تقاضا تعیین می شود و از قرار معلوم زمانه بحال توازن می رسد که عرضه برابر با تقاضا باشد. خدمت دیگر بازار این است
 که تولید کنندگان (سرمایه داران) را مطلع می کند که مردم خواهان چه کالاهای هستند. به عبارت دیگر بازار راههای سرمایه داران
 بجز سرمایه گذاری و تولید است. بطور مثال آیا کمردار ^{تعداد} بیشتری ^{آبی} می خواهد یا قرمز؟ در این صورت تعداد
 بیشتری از آن تولید خواهد شد. یا اگر مردم آبی بیشتری می خواهند در آن صورت باید کارخانه جدیدی از پیش سازی
 برپا کرد. اگر چه مردم تصور می کنند در انتخاب آنچه می خواهند بجزند آزادند، اما منظور که فقط اشاره کردیم (کسب ۲) تبلیغات

تجارتی سهمی روی بسیاری از این تصمیم گیریها اثر میگذارد و حتی برابر فرادرد مانا که استفاده چیزانی هزاره یا کالاهای بلند استند است
 تعداد موجود می آورد. شکی نیست که در هنگام عمومی سرمایه داری چشم دریم چشمی به ایجاد جابجایی که مرکز اصلی بر طرف هر چه
 بهتر است نقش بازی می کند.

بازار نوع دوم در سرمایه داری بازار کار است. کار فرما از این بازار ذخیره کار که زیر کنترل آنها عمل می کند استفاده می کند
 تا کارگران خود را استخدام کند. در دوران جنگ بزرگ که بگیم معمولاً تعداد قابل توجهی بیکار وجود دارد. برای اقتصاد
 سرمایه داری بهترین موقعیت در زمان است که تعداد زیادی بیکار در جستجوی شغل باشند تا بتوان میزان دستمزدها را پایین نگه داشت
 از طریق عملکرد بازار شغل و دستمزدها حساب شده. میتوان ارزش ذخیره کار دلی وجود آورد. مزد کارگران در شرایط کار نتیجه
 و خاص مبارزه طبقاتی است.

بازار سوم، بازار کار سرمایه جابجاست که وسعت دستگیری اش به میزان سرمایه گذاری (چه سرمایه گذاری داخلی و چه
 در سبب خارج) و کوشش در افزایش بهره وری (Productivity) کار در سرمایه بستگی دارد.

بازار چهارم، بازار پول (بازار مالی) است - ادارات مرکزی جهان سرمایه داری. بخشی از این سرمایه صرف ادوم
 فایده تولید می شود (سرمایه مادی و دام ارزش در گسترش کسب و کار)؛ بخش بزرگ دیگر پول مانع است که خود پول می سازند.

مابقی تولید سرمایه داری را این طور باز نمایی می کند: $M = M - C - M'$ پول را نمایان می کند که برای
 خرید نیروی کار، مواد اولیه و ماشینها جهت تولید کالا (C) به کار می رود. فروش کالا موجب است
 آوردن ^{سپرده} سرمایه گذاری اولیه بعد از این صاف (M') می شود. ^{آنگاه} علاوه بر این و در رابطه با فروش اول،
 رابطه $M - M'$ را می داریم: یعنی پول مانع که از طریق بورس سهام، اوراق قرضه دولتی و شرکتها

بعد از کوهی از نقدینه در مخازن بانکها، شرکتها، بیمه و شرکتها از افراد بسیار ثروتمند که در انواع نقدینه بازی

سرمایه‌گذاری سفته‌ای و پول می‌سازند. با دادن اعتبار (Credit) به مردم (کاربر اعتباری، وام منزل و اتومبیل و غیره) نیز می‌تواند از پول، پول خست. در حالیکه پرف مجری این شرکتها، چه از طریق سرمایه‌گذاری و چه سفته‌بازی، کسب سود است، بنیاد نهانی فرمول $M-M'$ همان ارزش چنانچه است که توسط نزدی کار داخلی و خارج کشور بوجود می‌آید. بازار $M-M'$ (پول) چرخ دنده سرمایه‌داری را در چرخ کاری می‌کند و مثل دیگر چرخ دنده‌ها کار زندگی و دست سرمایه‌داری، ^{برای این نزد} ~~برای این نزد~~ حرکت کل سیستم را ضایع می‌کند. البته بطور ازمان برون‌گرا می‌گردیم می‌آفریند چرا که سفته‌بازی در پشت رابطه‌ی $M-M'$ نهفته است. (بازار با توجه دنده این است که چرا در همان مرحله اول پیاده شدن سوسیالیسم بازار در چین بومی سهام و دیگر نهادها را آغاز به کار کرده). اینست ایجاد مقادیر مختلف و فرایند وام را که نتیجه ضایع شدن $M-M'$ است. بر مریض عمومی کار نظام، از ایجاد آنچه در ۳۰ سال گذشته اتفاق افتاد. می‌توان فهمید. مجموع وام‌های صرفه‌گزیان، دولت، بعد از وضعی کار ما و غیره ما را به مضاربت در امریکا [۳۱ میلیون دلار] یعنی ۳۰ درصد تولید داخلی این کشور است!

در اقتصادهای زیر کنترل بازار پرف هر چهار نوع بازاری که شرح داده شد باز تولید سفار طبعاً موجود و اضافی نیاز دارد و خواسته‌ها را همان وسایل تولید، دستگاه‌های دیگر سودها را در جیب است. در انگلستان سوسیالیسم بازار که سطح می‌شود عموماً رابطه میان سیستم اجتماعی و بازاری که در خدمت آن است نادیده گرفته می‌شود. برای یکبارگی این انگلستان بطور خاص ارزش ندارد. اما ذکر یک سال سفته را روشن می‌کند. یکی از این انگلستان بود است که در همین حال که دارایی‌های کشور به مجری مردم یعنی خواهر داشت، هر یک از داوران اقتصادی (کامیونالیت دعوته) توسط کارگران کنترل و مدیریت خواهد شد. فراداده که در بازار فرود خواهد شد (و بدین ترتیب اطلاعات لازم از لحاظ گرایش بازار برای برنامه‌ریزی می‌شود)، مالیات‌ها برود خواهد شد. توسط هر مؤسسه به صندوق عمومی دولتی خواهد رفت و به مناطق مختلف کشور به نسبت جمعیت آنها تقسیم خواهد شد. بطوریکه این دو کارها است

آیا بر این چنین است ؟ تفاوت میان سطح زده با سطح مختلف حتی در کشور سرمایه داری پیشرفته هم وجود دارد . این مسئله
 مستلزم درود اولاد است ، انگلیس ، فرانسه ، آلمان و ایتالیا صادق است . با توجه به این مسئله ، توزیع سرمایه مازاد
 اقتصادی بطور مساوی با جهات زیاد منجر به خفت بیشتر میان مناطق مختلف خواهد شد ، زیرا مناطقی که توسعه کمتری از قبیل کوهستان
 زیر صفت و مناطقی لازم برای ادب ^{برده اند} و حال بازم پول بیشتری به آنها تزی می شود . مناطقی که توسعه کمتری دارند با
 مناطقی که توسعه نیاز بیشتری به گسترش زیر صفت خود دارند - چه از نظر وسائل صنعتی ، چه تکنیک ، بهرستان و مناطق عملی و غیره
 بهتر . بنابراین اگر هدف سوسیالیستی بخواهد در مناطق مختلف سطح عادلانه ای بگذراند و در صنعتی که موجب بهره گیری مناطقی که توسعه
 از مناطقی که توسعه کمتری دارند ، سهم بیشتری از درآمد ملی بیاورد ، به آنها تزی می شود . منطقی هم خواهد بود انتظار داشته باشیم مناطقی
 مختلف بر سر منابع محدود قابل دسترس با هم رقابت کنند . برای جلوگیری از برخورد و اختلاف منابع ، راه کار برای
 ایجاد هماهنگی باید پیدا کرد و این نیاز به برنامه ریزی ملی و منطقه ای دارد . اگر نابرابری در سطح جهان داریم در نظر بگیریم ،
 این نوع انگور سوسیالیسم بازار فقط به نابرابری موجود را بازسازی می کند .

برای از میان بردن طبقات دروغ نیاز داریم مردم حفظ محیط زیست ، برنامه ریزی و کنترل ضرورت است که دارد .
 این به معنای بازار وجود صفت ؟ در کشور که بازار در اقتصاد با برنامه منبست - تکمیل ، امکان غلط توسط دولت لاری
 صاحب امتیاز برای پیشبرد منابع خودشان ، انگلیس ، سوئد و سوئیس در اصل کار دهنده . برنامه ریزی هر چند
 سوسیالیستی در راهی که قبلاً بگویم . همان گونه نیاز به آزادی بحث ، شرکت فعال کارگران در تصمیم گیری ، در حقیقت برای
 آزمون و خطا دارد . روی گرداندن از برنامه ریزی و هماهنگ سازی و سپردن تصمیم گیری در باره سرمایه گذاری و توزیع
 به دست بازار ، مجرب را کردن حرکت بسوی سوسیالیسم ^{خواهند شد} . مسئله ماحد زیادی بستگی به آن دارد که چه نوع رشته
 اقتصادی و برای چه کسی می خواهیم . آیا حرف ، صرفاً تولید مبالغه تولید است و توجه به سرمایه دهنده مردم ؟ در نتیجه

کردن تخصیص منابع به شرایط بازار - بکار برنامہ روزی می باشد و وسیع ایجاد و باز تولید ^{خوب} قدرت است که بر سایر خواہم ماند . خواہست امر آنان که قدرت و ثروت بیشتر دارند ^{مجموع} تأثیر بین از اندازه ای بر آن چه بقایای خواہم بقاد می گذارد . حتی اگر کارخانه در صورت تعاد کارگران بگردد ، چنانچه کنترل بہت بازار باشد . در بران تحت تأثیر ^{تأثیر} بر زمان خواہم بود که در مؤسست سرمایه داری می بینیم . کارگران ناچارند تسلیم منافع بازار شوند ، چنانطور که شایسته این واقعیت در معدودی شرکتها در نظام سرمایه داری که مالکیت و مدیریت آن در دست کارگران است بوده ایم .

گرمی بعضی بر این باورند که برنامہ روزی شرط نیست اما توزیع منصفانه منابع ^{محدود} بدون برنامہ روزی ممکن نیست . در جوامع سرمایه داری ہم تأثیرات و در سطوح مختلف ~~بر~~ در مؤسست ~~برنامہ~~ برنامہ روزی صورت می گیرد . اما حتی جامعه سرمایه داری ہم در رویدادی با مشکلات بسیاری مواجه است در سطح وسیع است برنامہ روزی زندگی . در جنبش 2020 ، ایالات متحده ^{بسیار} بدون برنامہ روزی مرکزی نمی تواند در دست کوآپی میر اقتصاد خود را تغییر دهد تا بتواند تسکین ، هواپایا ^{کمی} کار ^و تجارت نه تنها برای خودش بلکه بجهت کردن ارتش مارکسیست و شوروی فراهم آورد . برای تغییر مسیر تولید و مواد خام بسوی تولید جنگ ، ^{صحن} صنایع آتومبیل سازی از عرضه آتومبیل شخصی به بازار بریزان ^{محو} و سازندگان سازیل مسکونی از رضی خانه نامرکشی ^{صنوع} سوزند . به دلیل نبود مواد لازم ، حتی سرعت تولید بعضی لوازم ^{لظایم} مهم ^{مجبور} شده ^{کم} کنند تا تجهیزات ضروری ^{آبرای} جنگ ^{بسته} لازم .

برنامہ روزی کمی ممکن نبود و بعدی نیازهای متنقض با ہم نمی تواند رفع شود . حتی بعضی مؤسست در برنامہ روزی ^{فرا} بکاری ^{می} کردند . اما با این ^{مد} در پایان ، برعم تمام اشتباهات و استغلاک ^{کا} حتی ^{بین} برنامہ ^{مارکست} و ^{پاک} ^{دست} آوردگار باور نکردنی داشت . عامل پراچیت در وضعیت برنامہ ای بود که ^{بصورت} تحول ^{آسان} ^{داردی} ^{دستی} ^{مهم} ^{تجرب} برنامہ روزی برای شبکه کسب و کار خود بودند . ایجاد صنعتی پیشرفته ^و ^{حقیقی} در ایالات ^{متحده} (و دیگر کشورها ^{سرمایه} ^{داری})

اما (از آن آریشه در برنامہ روزی مرکزی در سطح ^{بزرگ} ^{سر} ^{دست})
 کناری ^{آنها} ^{توانست}
 نکته ^{آنکه} ^{هری} ^{مگر} ^{این} ^{جنگ} ^{جهان} ^{مهم} ^{کنت} ^{دست} ^{اند} ^{کار} ^{برنامہ} ^{روزی} ^{برای} ^{مؤسست} ^{سازنده} ^{ابزار} ^{کامیونی}
 در ایالات ^{متحده} ^{بود} . سازش ^{دادن} ^{مؤسست} ^{تولیدی} ^{با} ^{این} ^{برنامہ} ^{روزی} ^{یا} ^{به} ^{دلیل} ^{خود} ^{خواهی} ^{آنها} ^{یا} ^{استو} ^{تغیر} ^{کامیونار} ^{شان}
 وقت زیادی گرفت . در مرحله اول مواخ بر سر راه تولید هواپیما زیاد بود و تولید نیازمار ^{حفظ} ^{ای} ^{را} ^{محدود} ^{می} ^{کرد} .

یک شرکت برپا سازد ابزار ماشینی نوع معینی همین از نیاز خود است در حالیکه از نوع دیگر با اندازه کافی نیست. در بسیاری از
 موارد به لایق باشد به تولید متوقف می شود. از برای مگر این فرایند که کوشش کند راه صحیح برای این کار پیدا کند. او هم راه
 حل ارائه داد که با موفقیت پیاده شد. برنامه عبارت بود از هماهنگی سخنی روال عرضه مصالح لازم. طول کشید که برنامه -
 نامه زیادی برپایی اهمیت دادن به عمل این - مؤثر افتاد. آموزش رهبران اقتصاد این بود که بازار راههای عملی باشد.
 صاحبان و مدیر کارخانه ان اداری عادت کار ^{دریغی} کار داشته و حال کار معمول آنها سرسختی با سیاست تغییر می کرد. با کارخانه های مؤثر
 شده و پیشرفت آنها به طبع جزئیات برنامه تکمیل کرد. از کارمندان اداری خواسته شد در کار خود وقت استثنائی به کار برند.
 برار عیب همکاری لازم گردید یعنی بدون حضور کارفرمایان با کارگران گفتار ^{برنامه برای} ^{هم گفتار} ^{توضیح} داده شد و دلایل پیاده کردن آن
 برایشان بیان گردید. سپس از کارگران خواسته شد نظرات و پیشنهادشان را ارائه دهند. همین پیشنهادت و نظرات در مکتب دادن آنها
 برنامه تأثیر گذار است.

افرادی که نسبت به کار آنها یا حتی امکانی برنامه ریزی مرکزی شک و تردید دارند فقط بگوید که نمی پذیرند اما دست آورد کارایی
 را بکار می کنند. در برنامه ریزی مرکزی هیچ چیزی وجود ندارد که به فراموشی از بالا و بالاگرد کردن چیزی جنبه کار برنامه ریزی به
 معنای مرکزی احتیاج داشته باشد. چنین چیزی به دلیل نفوذ منابع خاص دولتی و قدرت همین از حد دولت استثنائی می آید
 برنامه ریزی دیگر برای مردم باشد باید آنها در تصمیم گیری آسان شرکت داشته باشند. برنامه ریزی مطلقه، شرعاً و
 شرکاً نیاز به شرکت فعال مردم ^{محل}، کارهای محاسبات و فرودگاه آورد شوراهای کارگری مردمی دارد.
 برنامه ریزی - بویژه در مورد توزیع امکانات یا میان کارگران مصرفی و سرمایه گذاری - نیاز به شرکت
 مردم دارد. برای این کار هم، مردم باید واقعیت را بپذیرند و این شیوه آشنایی برای آگاه
 سازی آنها و شرکتشان در تصمیم گیری آمرین است.

۵- سخن جامعه ای سوسیالیستی

بقول دین سیگار:

« نیاز به کیفیت فزاینده داریم. نه یک طرح کلی و نه برنامه ای جزو به جزو بلکه ^{یک} پروژه یک جنبه
^{برای} ^{کلی} جامعه ای مستعد است و اثبات اینکه تاریخ به پایان نرسیده و آینده فراموش سرمایه وجود دارد» (مانند دیوید -
 ۱۹۶۸)

الف : پیش‌نویس بنیانی سوسیالیسم

دشمن یک‌رشته ایدئولوژی و سیاست را که با همکاری کارآسان است . اما پیش‌بینی اینکه یک جامعه سوسیالیستی واقعی - جامعه‌ای باشد ، از نظر محیط زیست سالم ، معادنی ، برابری طلب و دموکراتیک - چگونه فراهم بود ممکن نیست . رویه‌ها را باید با امکانات مادی منابع انسانی طبیعی ، با فرهنگ و خواسته‌های مردم تطبیق داد و از طریق مبارزه‌ای طولانی مدت به آن در واقعیت بخشید . جامعه نوینی اگر قرار است سوسیالیستی باشد در دستار انگوار ابداع شده از سوی روشنفکران و حزب رفته نخواهد شد . سوسیالیسم نباید سرشت اش باید توسط مردم و در تطابق با خواسته‌های آنها ساخته شود . این جامعه باید نتیجه تقسیم‌گیری کار مردم و در سازش با امکانات مادی در بنی قابل بررسی و در تطابق با فرهنگ و حال پیشرفت مردم باشد . در این جا میخواهم نظر خود را در باره اصول بیان کنم که خواننده به برپایه دنیا بهتر نگاه کند :

- (۱) - از میان بردن سلطه‌ی انسان بر انسان و استوار شدن انسان از انسان .
 - (۲) - رفع نیاز ضروری ، تسکین‌دهنده‌ی درد و تسکین‌دهنده‌ی گریه‌ی توده مردم باید در اولویت نخست تعیین کننده قرار گیرد .
 - (۳) - رعایت این حد اقل حقوق بنیانی برای همه‌ی مردم : سه وعده غذایی کافی در روز ، دشمن شغل ، سرپناه مناسب ، آموزش مناسب ، عذات پزشکی و محافظت از سالمندان و معلولین .
 - (۴) - اقداس جدیدی در جهت رفع تبعیض نژادی ، جنسی و قومی دستکم از طریق جبرانی واقعی و قطعی این تبعیضها .
 - (۵) - کنترل کارگری بر کارخانه‌ها ، منابع و مؤسسات معادنی و انرژی .
 - (۶) - چرخیدن کار و دشمنی بین کارخانه‌ها و کارگران و همین کارگاه‌ها دشمنان هر صنعت خاصیت کار اجتماعی .
- ضمیمه بر این است که برای کارخانه‌ها ، کارخانه‌ها داده به تقسیم کار شده نیاز است . در حالیکه مسئله مهم

بسانی با حیوانات - که بهرستی انسان و محیط زیست حفظ شود . منابع طبیعی تجدید پذیر را می شود طوری کنترل کرد
که هم این منابع در هم محیط زیست حفظ شوند . برای انواع موجودات در محیط نظر می توان زیستگاه مخصوص بوجود
آورد و آنرا را گسترش داد .

ب : قدرت تفریحی مردم

یکی از بزرگترین مشکلات دوران گذار توسعه ای و در گام های جهانی این است که در فرایند انتقال قدرت طبقات به مردم ،
مختار سلسله مراتب جامعه را چگونه می توان از میان برد . یکباره نمی توان به برابری و آسانی در دسترسی به نعم مادی (خانه
اتومبیل ، آموزش ، بهداشت پزشکی و غیره) دست یافت . بر آوردن همه نیازهای بنیانی مردم محتاج به زمانی طولانی دارد .
از سوی دیگر حرکت سوی برابری واقعی را باید بی درنگ آغاز کرد .

با طور که قبلاً اشاره شد روشنفکران و متخصصین نمی توانند نقش ای برای جامعه جدید طرح به ارزینده این دوره اجتماعی کنند - این
کار باید به دست مردم انجام شود . اما یک سلسله چول برای تعیین اولویت ها می توان پیشنهاد کرد . مهمترین موضوع
عبارت از رفاه نیازهای بنیانی فیزیکی مردم از جهت مسکن ، غذا ، آموزش و بهداشت پزشکی است . اما جزئیات
اینکه نیازهای بنیانی چیست باید توسط مردم تعیین شود . مسائل متعدد دیگری نیز به بحث و گفتگو توسط مجلس و سنجی از مردم
نیاز دارد . از جهت اینکه چگونه طرح ریزی شود تا بیشتر قابل زندگی باشند ، چه نوع وسائل رفاهی عمومی (محل ،
منطقه ای ، ملی و بین المللی) مورد نیاز است و غیره . چنانچه مسائل از این نوع باز نشوند و مورد بحث قرار نگیرند ، مردم
هرگز به سطح رفاه لازم (و اجتماعی نسبت به مسائل) نخواهند رسید و تجربه کافی برای حل مسائل پیدا نخواهند کرد تا بتوانند
قدرت را به دست گرفته و جامعه نوینی برپا سازند .

اگر شکی نیست - که جهان از طریق کارگران منتخب و شوراهای مردمی است - به معنای انتقال واقعی قدرت تصمیم گیری
در تمام زمینه ها مردم ساخته ، در آن صورت هیچ محوآورد واقعی نخواهد داشت . در سرمایه داری ، آنچه مردم از آن محروم

شده اند همانا قدرت مصمم تیری است . در "دو کوهی" ای [سرمد داری] هر چهار یا پنج سال به مردم اجازه داده می شود
 قطعه کاغذ در صندوق راز بیاید از بند یا اهری راز این بکشد و یا نگه ای افشادینه و پس اینها و منافعی تا انتهای
 به فراموشی شود . بنا برین راز کردن نظیر است گرفتن قدرت جوی و پایه کار صبحی - جفتی و پیوند از زنجیری است
 چیزی مستی جزا کردن ایره بوجود آوردن بدلی دخی . بنا برین سفار "جانی فرکی ، جی علی کن" و جدا کردن
 تصنی "جامعه دینی" و "حالت" و در برابر هم قرار دادن آنها - و فعالیت از طریق "سازمان غیر دولتی" (NGO)
 برای پیاده کردن پروژه "از زمین" - بتواند مردم را به این فکر گمراه کننده بکشد که جامعه دارد بطور واقعی و
 هر چند تغییر می کند . چنین کوشش آنی که جدا از مبارزه بزرگتر برای پست گرفتن قدرت جوی انجام می شود ، در
 بتواند صلاحات نا چیز در اینجا وجود آورد ، حکومت به ایجاد تغییرات کوچکی است که تاثیر مجموع آنها هرگز نمی تواند
 موجب درگرفتگی جامعه شود .

قدرت تیری مردم باید شامل همه زمین کار جمعی و در تمام سطوح باشد . از این رو کلیه چنین قدرت تیری - در مقابل
 با اجازه شرکت در انتخابات از راه لطف و رحمت (که البته شمار زیادی از کشور هم محروم می شوند) - این است که باید
 همین مبارزه و پیش از آنکه درگرفتگی قدرت صورت گرفته باشد ، آغاز گردد . قدرت تیری ، حتی تجربه بنای جنبش سوسیالیستی ،
 قویتر و رادیکال می تواند تکمیل گردد ؛ جنبشی که مست تیری این سوراخ استوار به دلیل قدرتمندی در برابر نظام اجتماعی سرمایه است .
 پس از درگرفتگی قدرتی ، قدرت خود مختار مردم از طریق دخالت فعال توده ، چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم ، در حوزه کار
 اجتماعی - جفتی و سیاسی ، با استیلا و بیگانه گری گریزی می رود و در نهایت به معنوی استواری گردد . شورای کارگری می تواند
 با مدیران سطح بالا کار کنند ، در صورت لزوم مدیران جایگزین را انتخاب کنند و در مورد هزینه کار ، سرمایه کار و بنام کار آسوده
 بصورت همکاری متقابل دیو یا با هم پست ، ~~کاهش~~ ^{کاهش} فعال کنند . مست تیری این روند باید به طرف انتقال قدرت از دولت
 به مردم باشد و نقش دولت به تدریج تا پیشتر کاهش یابد .

اینکه ای کار چگونه می‌تواند صورت گیرد باید مورد بحث و گفتگو قرار گیرد. و اما در مورد ایالات متحد، درست‌ترین از حیث
 تبار، لا یتینا و فقرا به چه معنای می‌تواند باشد و چگونه پیاده شود؟ بطور مثال در نظر بگیریم که معنی گذار انتقال به سوسیالیسم
 گسستی یک ستر بخواهد به معنای اینست در جهت تبدیل شود - با آید تا نهایی خوشبخت، برای تمدن و مسائل تفریح خوب در نظر
 این کار در واقع چگونه صورت می‌گیرد؟ زمین را معاهده کنیم؟ در آن صورت آیا خانه‌هایی که برای امان این معده، «فاسد»
 میان حجاب کردن زاغها در ضمن خانه جدیدی می‌شود مناسب هستند؟ مردم را چگونه می‌توان درگیر این برنامه کرد؟
 با شرکت در طرح ریزی فشار نخواه داخل و خارج محل زندگی و رفاهت دردی که کل پرورده چگونه باید طرح ریزی شود؟
 بزرگترین چالش عبارت از اختیار دادن به فقیرترین و کم‌توانترین بخش‌ها از قبیل کشاورزی، حسی و قوی بخش
 جدای نابرابری از تعصبات کهن صاحب امتیاز و ثروتمند جامعه است که نمی‌تواند بخش از آن سینه بدون
 توجه دائم به تغییرات بنیادی در سیستم، رابطه سلطه و تابعیت برقرار خواهد ماند. بطور مثال، در جامعه برابری تغییرات
 قانونی که توسط سازمان حقوق مدنی در ۱۹۶۰ وجود آمد، شرایط سیاهان در ایالات متحد، بهبود پیدا کرد، هنوز
 هم تبعیض علیه آنها وجود دارد و شرایط وحشیانه از اقتصاد آنها بسیار بدتر از سینه پوسان است. دستاورد به
 برابر برای ملت ما که مورد تبعیض قرار گرفته اند شاید نیاز به نوعی کمک "ما فوق" به آنها داشته باشد. شاید حرف
 بتواند این باشد که در عهد شرکت آنها در مدارس، دانشگاهها، مشاغل و مدیریت در تمامی سطوح دولتی پس
 از در صد آنها از جمعیت کشور باشد. وارد شدن در جزئیات ممکن نیست زیرا که راه رسیدن به حرف باید توسط آنها
 ابداع شود و مجبور و پیاده گردد که مورد تبعیض قرار گرفته اند. آنان باید توان رفیق به سمت و سوط را داشته باشند که خواهش
 مستند

● ج : ادب سوسیالیستی در برنامه ریزی

ادب بنیادی سوسیالیسم که در بالا شرح داده شد نیاز به هم به برنامه ریزی موزی دارد - زیرا با هم راه

رسیدن به بحری امراض کجور میزبان از نظر امکانات مادی محدودیت وجود دارد . از این رو دولت باید تعیین شود -
 در این مسئله ای سیاسی است که مردم باید در آن مشارکت داشته و نظرات آن جدی گرفته شود . ^{راحم بر آنست} چه باید تولید کرد
 و برای چه کاری ؟ به علاوه بسته مواد خام ، قطعات ، ماشینها و نیروی کار به هماهنگی طبقه اولویت کار مورد توجه
 نیاز دارد . شرح فعالیت کارخانه های جدید گسترش کارخانه های قدیم نیز باید با ادامه تولید در کارخانجات قدیمی هماهنگ
 گردد .

برنامه ریزی مرکزی به این معناست که هر قبیح دهمه زیر نظر معنایات مرکزی باشد . برنامه ریزی مرکزی الزاماً
 نیاز به حذف برنامه ریزی منطقه ای چه ندارد ، آنگاه معاصر با همبستگی سخن برنامه ریزی منطقه ای دیا محلی با برنامه
 بزرگتر (ملی) است . هر قدر از آنکه هدف در راهبردی کار چه باشد ، در صورت عدم شرکت فعال مردم ، اکثر جهات
 که قبلاً پیشیافته ، بویژه از جهت استراتژی بنیادی و تغییر در روش کار برنامه ریزی ، به اعراض کشنده شده دیا
 مورد سوء استفاده قرار خواهد گرفت .

میزبانی ظرف بالقوه از جهت ظهور جنبه های زبان بار زمانه بوجود می آید که هرگز برنامه ریزی است دیوانه را
 بینه که گشت به مقام خود چسبیده اند . اگر قرار است مردم مشارکت داشته و درگیر باشند باید به تمام واقعیت ها و ممکن
 برنامه ریزی ترنایو دسترسی داشته باشند . به این دلیل و ملاحظه همیشه توسعه یافته و فرسنگی به آموزش بزرگان باید توجه
 زیادی معطوف شود . اگر قرار است مردم به روزگاری خود حاکم شوند و بطور مدغمندی در تصمیم گیری مشارکت کنند در آن
 صورت نیاز به دانش و سائل فزاینده بیشتر در باره ارزیابی برنامه های پیشنهادی ، چه «عازمت» چه کوتاه مدت دارند .
 آموزگاران که دست اندر کار آموزش بزرگان هستند باید به توانایی کارگران به فزاینده یاد داشته باشند . ^{مکلف}
 در دیدار سال ۱۹۷۴ خود از چنین شایسته نمونه ای شوق برانگیز از این نوع بود . او در دیوار از کارخانه ای صحبت از
 کارگران در باره وضع در پیشانی می پرسید و به او ثابت شد که این پرسش بی ارزشی نبوده است . یکی از

این کارخانه تا بزرگ از این جهت ^{حقیقتاً} بود. در این کارخانه ابزارهای ^{بیمه} ای ساخته می شد که می توانست به خاطر ظرفیت
 بسیار کمی در فزات وجود آورد. در واقع به ^{کمیاب} برای تکلیف در این مورد، او را به همکاری در یک بزرگی بودند که
 تمام هزینه های آن توسط کارگران با لباس کارگری داشتند تا با هم زده پر شده بود که گشت مشغول یاد داشت برداری در
 دفترچه کار خود بودند. امروزه در این ^{بیشتر} روی تخته سیاه به آنها را ^{بیشتر} رعایت کرده استاده از دیوانسرای سنی در می آید.

در حالی که درباره برنامه ریزی ^{سوسیالیستی} به مفهوم کلی آن بحث می کنیم باید آنگاه باشیم که از میان بردن بیکاری پرده
 غول آسانی نخواهد بود. در اوقات ^{مهمه}، سار ^{عظمی}، شاید همین از ^{بزرگی} کار در ابتدا بیکار خواهد ماند. عمده
 همه دلالتی در کار چاق کنی است. چرا که در ^{مغازه} کار می کنند - چاق خواهد بود. در صورت نبود رقابت میان
 تولیدکنندگان نیازی به ^{دلیل} در کار چاق کن نیست. تا آنجا که ^{دلیل} مطلع سخن خراباران از فراداده و
 حدیث فرستاده است، این کار می تواند توسط ^{انتقال} کتایبه یا ادوات لازم انجام شود. علاوه بر آن ^{کاهش} بزرگی سلام،
 بجا ^{کار} تبلیغات مجاری، شرکت ^{کار} بجهت ^{دکتر} دلالتی در تبلیغات ^{کار} صنعتی کارنده بار این کار ^{لازم} نیست.

بر سر تمام این افرادی که قبلاً به کار ^{بهر} سازنده مشغول بوده اند چه خواهد رفت؟ مشغول خواهد بود برای
 رفع نیازهای اجتماعی در آموزش و پرورش، خدمات پزشکی، ^{مهر} کودک، خدمات فرهنگی (تئاتر، ^{تولید} و ^{دور})
 و غیره وجود خواهد آمد. بعد از ساعات کار روزانه می تواند ^{کاهش} یا به تعطیلات طولانی ^{رای} داده شود. تا این کار
 نیاز به برنامه ریزی محلی و مرکزی دارد. این ^{مسئله} در کشور ^{پیرامونی} که ^{ساز} بکاران یا کارگران ^{وقت} ^{بسیار} زیاد است
^{بیمه} تر هم می شود. پس از یک ^{دگر} ^{گونه} ^{بندی} چگونه می توان این ^{مسئله} را ^{مشغول} کار سازنده کرد؟ ^{توجهی} ^{بسیار}
 که بسیاری نیازهای اولیه و بنیادی - از جهت غذا، مسکن، آموزش، ^{نگهداری} کودکان و غیره است باید بر طرف آید
 و برای این کار به ^{ساز} زیادی ^{کار} ^{جهت} سازندگی و تولید نیاز خواهد بود. ^{دستان} ^{باز} ^{نیاز} به زمین خواهد

دولت و زارعین خود را نیاز به فرآورده‌های لازم برای کشت محصول و دامداری دادند. بر آوردن این نیازها و ایجاد کار برای برپا شدن اقتصادی در خدمت مردم نیاز به برنامه‌ریزی دارد.

د- نیازها، خواسته‌ها و محدودیت‌ها

در دوران گذار به سوسیالیسم نیازهای مردم و امکانات مادی باید دائم با یکدیگر هماهنگ شوند. حتی در کشورها که امکانات موجود محدودند - بسیاری از ^{خواسته‌های} ~~نیازهای~~ همگانی (که اغلب از طریق تلاش کارمندان روزی تبعیفات نظام سرمایه‌داری بوجود آمده است) بر آورده نمی‌شوند. بنابراین مردم باید طوری تغییر کنند که با نیازهای متعادل کردن نیازها و امکانات رادیکال کنند. ایجاد درگونی در بخش وسیع از مردم آسان نیست و فضا برای تغییر باید با گرایش کارفرمایی جور در آید. اما تغییر از اصل رقابت به همکاری و از زندگی مملو به کالاهای سرمایه‌داری به زندگی متعادل، برای مردم کاری غیر ممکن نیست.

هرف کلیدی جامعه سوسیالیستی، بالا بردن سطح زندگی همه بشریت است تا مردم بدون رنج بدون از گرسنگی، بیماری و محدودیت، زندگی واقعی داشته باشند. برای تحقق بخشیدن به چنین هدفی در سطح جهانی، بسیاری از ثروتمندان ممکن است ناچار باشند روی کار خود را برای زندگی محلی را رها کنند و از آرزوهای بزرگتر ^{قشر} ~~کلی~~ ^{توسط} ~~کلی~~ ^{ثروتمند} ~~و~~ ^{بیکاره} ~~و~~ « ساده زندگی کن تا دیگران هم بتوانند زندگی کنند » در جامعه سوسیالیستی چشم مردم چشمی ^{آنان} ~~باز~~ ^{دوری} ~~گزینند~~ ^{شکار} ~~در جامعه سوسیالیستی~~ ^{آینده} ~~آینده~~ ^{آینده} ~~آینده~~

آینده ایست به مراتب بهتری از جوامع سرمایه‌داری و ثروتمند معاصر پیدا خواهد کرد. جامعه‌ای که نیازهای جهانی و انسانیه همه مردم را - از جهت غذا، لباس، مسکن، آموزش، خدمات پزشکی، آزادی بیان و احترام انسانی - برآورده کند، مردم را از تولید و مصرف و تصمیم گیری در باره استفاده از امکانات مادی را به گونه‌ای انجام میدهد که بطور همگانی با شیوه سرمایه‌داری متفاوت است. به گفته هکات و هیلن نیرینگ (S.H. Nearing) « خوب زندگی کردن » نیاز به کلی کالاهای زیادی و اسباب و وسایلی همانند ندارد. اما دستیابی به سطح معقولی از

سندای ضروری

امنیت و رفاه از جهت حیاتیات بنیانی برای افراد ~~کدام~~ است . از آنجا که مردم وقت بیشتری برای شرکت در
 فعالیت های فرهنگی و عمومی ، سرگرمی ها و عمومی زندگی فردی دارند و فرصت برابر آموزش در تمام طول زندگی وجود
 دارد ، زندگی مردم غنای بیشتری پیدا می کند . افزون بر آن چسب زندگی جمعی و اشتراکی که در بسیاری از جوامع
 جهان در اثر رشد بی رویه شهرها و نوع منزل سازی که نیاز به رفاه و برکت در مسافت های طولانی دارد از میان
 رفته است ، دوباره بتواند در اثر معاشرت مردم با هم در زمینه دوگوشه سطح ، پدید کردن و ارزانی مجدد
 و دائم محبت ، مناطق کشور ، برقرار شود .

مشکلات

پیش از انتقال به سوسیالیسم در چین آن باید بحث های گسترده ای درباره ~~کشور~~ ، نگرانی ها و اصول در گیرد .
 در این حال که جهان سوسیالیسم در خارج چوب هر کشور صورت می گیرد ، هر چقدر سبب سوسیالیسم باید از دیدگاه جهانی
 مورد توجه قرار گیرد . شده این واقعیت دارد که ایالات متحده و دیگر کشورهای مرکزی سرمایه داری (که در صدها صنعت
 جهان را تشکیل می دهند) در شان تأمین زندگی رفاه برابر مردمی افراد کشور خود دارند و جامعه سوسیالیستی در این کشورها
 بتواند به این تحقق بکشد . اما وضعیت بهتر جهان چه خواهد بود ؟ بحثی از قدرت کشورهای مرکزی در اثر روابط
 امپریالیستی از کشورهای پیرامونی بیرون کشیده شده و اقتصاد کشورهای مختلف جهان به رابطه تجارت سرمایه گزاری به هم
 پیوند دارند . از این رو اگر یکی از کشورهای مرکزی سوسیالیستی شد ، همه این رابطه چگونه باید تغییر کند ؟ در مورد
 حتی صحبت های اگر کل ~~کشور~~ پیرامونی (بطور مثال امریکای لاتین) سبب سوسیالیسم رود چه رابطه ای برقرار خواهد شد ؟
 تجارت خارجی با زحم بسیار بر اهمیت خواهد بود . بعضی مناطق منابعی دارند که جایگزین ندارند . برخی کشورها نوعی منبع
 دارند که دیگر کشورها ندارند . ~~کشور~~ ها نظیر که تجارت در روابط متقابل میان مناطق شهری درونشان بر پایه
 صون قرار دارد ، تجارت خارجی نیز ~~کشور~~ و منابع قرار دارد . پس تجارت بر پایه چه اصول و قوانینی باید صورت گیرد ؟
 آیا باید بر پایه ی معامله به مثل مانند جوامع پیشین باشد ؟ و اگر ایالات متحده سوسیالیستی شد سه نوع روابط آن

با دیگر کشورها دولت ما چه خواهد شد؟ آیا بازرگانی در مرز نزدیک ناموس با سلگما و گفتگوستان جلوه‌های دیگری
و امیکار مرکزی را خواهد گرفت یا از آنها استقبال نخواهد کرد؟

اگر نیازمند به مواد لازم ^{ادویه} (Input - output) در ایالت مسقطه را در زمینه‌های
که به دست مربوط موجود است مطالعه کنیم چنین نتیجه‌ای برآوردیم ^{معامله و مواد لازم} چیست یعنی خواهد بود. امکانات مادی لازم برای
رفع نیازهای مردم کشور در سطح معینی می‌تواند با مقدار قابل دسترسی مقایسه شود. اگر ۲ درصد جمعیت ^{کلی} برای
سل زندگی هستند - آنها که اگر سنگ می‌کنند در تری از گرسنگی می‌میرند؛ آنها که نه سنگی کافی و نه ذرات
دستی به آموزش کافی دارند و کودکان بی‌مغزی اند (منی امید می‌آید در گوناگون ^{شیر}) - بجز این به سل زندگی
مناسب برسد نیاز به امکانات مادی عظیمی است. آیا فولاد ^(برای ای کار) آلومینیم و فرآورده‌های دیگر با هزاره‌ها کافی وجود
پایخ می‌تواند این باشد که مثل جنگ هم جهانی باید تولید اتومبیل شخصی را به کار ببریم. اما با چنان زیاد می‌باشد وجود
ثروت عظیم ایالات مسقطه انجام می‌دهد ^{این} می‌تواند به ^{این} مقادیر باشد که باید از امکانات مادی ای استفاده کرد که اکنون
در اختیار وقت نسبتاً شادمانه و بسیار شادمانه قرار دارد تا بتوان زندگی مناسبی برای قوت دست کرد.

۴- آینده سوسیالیسم

مسئله‌های جهانی، اقتصادی و محیط زیستی و جنگ جهانی جزو سرشت سرمایه‌داری است. بنابراین سرمایه‌داری باید جای خود را
بر ^{جامعه} اقتصادی بدهد که در خدمت بشر باشد. جامعه‌ای که ایجاد فضا برای نگهداری از سیستم حفظ حیات روی کره
زمین را الزام آوردی کند. آنچه پیش از این بیان شد اصول مسائل بنیادی و پیشینگی است که حتی برای جامعه سوسیالیستی
باید مورد توجه قرار گیرند. تجربه شوروی و چین نشان می‌دهد که دشمن مردمی بیخ‌سازد و آموزش دیده که آن خوانان و
توانای بیست گرفتن قدرت باشند - مسائل بنیادی و محدودیت‌ها را درک کنند و بتوانند از ریشه طبقه درونی ^{در} سرمایه‌داری

صورتی کند - کار آسانی نیست . اما اگر بخواهیم مهربی به بهبود شرایط سمارتعلیمی از مردم جهان که نا امیدان تحت سخت روی
 شرایط بسر میبرند داشته باشیم در همین حال که زمین را بعنوان خانه قایم زبیت حفظ کنیم باید یاد بگیریم چگونه این کار
 را بکنیم . این کار نه تنها برای بشریت اهمیت دارد بلکه برای انواع موجودات دیگر که در زمین زندگی روی کره زمین
 با ما شریک اند در سیزدهمین شکل بطور کلی با آسوده ما دانسته است نیز هم است .

پایان
 زمانی محیط - ۷ / سپتامبر ۲۰۰۵